



• برداشت کنکوری

یک تکنیک مهم در جواب‌دادن به تست‌های قرابت معنایی این است که با آهنگ و لحن درستی ابیات را بخوانید؛ یعنی، موسیقی کلام را پیدا کنید. یک مثال ببینیم:

«ابرو به ما متاب که ما دل شکسته‌ایم!»

به نظر شما منظور نظر شاعر از مصراع فوق چه بود؟

ابرو به ما متاب که یعنی با من اخم نکن! نکتهٔ باریک‌تر ز مو این‌جاست که با توجه به لحن خواننده می‌شود دو مفهوم از این مصراع برداشت کرد؛ اول، ابرو به ما متاب که ما دل‌مان شکسته است! یعنی من دلم شکسته، گناه دارم، دوام نکن!

دوم، ابرو به ما متاب که ما دل کسی را شکسته‌ایم! یعنی از این‌که ما دل کسی را شکسته‌ایم به ما ابرو متاب و دعویمان نکن! حالا دیگر چون امکانات صوتی نداشتیم خودتان هر دو حالت را بخوانید تا دستتان بیاید.

نتیجه‌گیری: آهنگ خواندن شعر در دریافت شما از آن شعر خیلی مؤثر است! این مهارت با انجام‌دادن کارهای هنری تقویت می‌شود! پس، شعر خواندن، موسیقی گوش‌دادن و آواز خواندن در کوچه و حمام و ... را فراموش نکنید.

• برداشت عاطفی - اجتماعی

یک روز دوستی به من گفت: تو چه قدر شعر بلدی!

من هم گفتم: از بس آواز گوش می‌دم!

خیلی هنر می‌خواهد که یک نفر، شعرها را جوری بخواند که از بس به خواندندش گوش بدهی، کلی شعر حفظ بشوی!

استاد بزرگی بود به اسم محمدرضا شجریان که گوهری در وجودش داشت و می‌توانست با آن گوهر، موسیقی درون بیت‌ها را کشف کند و آن‌ها را طوری بخواند که در قلب انسان به صورت بدجوری بنشیند! باعث شود که آدم همین‌طوری و از روی عشق به موسیقی، کلی شعر حفظ بشود و هی اظهار فضل کند این طرف و آن طرف!

نتیجه‌گیری: خدمتی که موسیقی به شعر فارسی کرد شاید با خیلی از شعرا برابری کند.

ممنون از موسیقی ایرانی که شعر فارسی را در قلب هزاران ایرانی زنده نگاه داشت. فکر کردم شما هم این را بدانید بد نباشد!

سپاس از مؤلفان خلاق و خوش‌قریحه که در ادامهٔ کتاب‌های ادبیات خوب قبلی، یک خان دیگر را به هفت‌خان‌های خیلی سبز اضافه کردند. درود و سپاس نثار دکتر کورش بقائی عزیز که بزرگوارانه در شکل‌گیری این کتاب خیلی اساسی پای کار بودند و هم‌چنین فصل اول کتاب (مهارت درک سؤال‌های قرابت معنایی) را با قلم توانمند خود نوشتند. یک تشکر ویژه هم از بچه‌های گروه تولید که در رساندن کتاب مثل همیشه خیلی خیلی زحمت کشیدند.



• حتماً بخوانید!

تمام آن چه یک انسان از زمان تولد تا آخر عمر «می آموزد» از دو قسم «علم» و «مهارت» بیرون نیست. اگر به هنگام آموختن هر «آموزه» بدانیم با کدام یک از این دو، سر و کار داریم، یادگیری ما بسیار سریع تر و با کیفیت بیشتری همراه خواهد بود.

میان «علم» و «مهارت» تفاوت‌های زیادی وجود دارد، اما در این جا به دو تفاوت آن‌ها اشاره می‌کنیم: الف) «علم» قابل انتقال به غیر است، اما «مهارت» قابل انتقال نیست! به عنوان مثال، «ریاضیات» علم است و کار معلمان ریاضی و کتاب‌های ریاضی انتقال «علم ریاضی» به دانش‌آموزان است. در واقع همه آن چه را که می‌توان از ریاضیات آموخت در کتاب‌های مربوط به این علم جمع‌آوری شده است. نویسندگان ریاضی، می‌توانند علم خود را در کتاب یا کتاب‌هایی گردآوری کنند و آن را به دیگران انتقال دهند. اما «راندگی» مهارت است. هیچ کلاس یا هیچ کتابی را نمی‌توانید نشان دهید که با شرکت در آن کلاس یا خواندن آن کتاب، «راننده» شوید. به زبان ساده‌تر، برای فعالیت‌های «مهارت‌محور» فرمول از پیش تعیین شده‌ای وجود ندارد.

ب) در آموختن «علم»، حضور معلم و کتاب الزامی است، یعنی بدون انتقال‌دهنده، امکان آموختن هیچ علمی وجود ندارد. اما در مهارت، حضور مرتبی و کتاب چندان مهم نیست، بلکه بیشتر بار بر دوش «مهارت‌آموز» است. مثلاً در ریاضیات، شما بدون یک منبع خوب (خواه معلم، خواه کتاب ریاضی و خواه ترکیبی از این دو) امکان آموختن ندارید. اما در راندگی، آن چه مهم است تمرین کردن شماست. مرتبی راندگی بعد از یک سری توضیحات بسیار مقدماتی، از شما می‌خواهد پشت فرمان بنشینید. از این جا به بعد شما هستید و یک وسیله آهنی بزرگ که باید آن را در مسیر درست به حرکت درآورید!

چگونه در پاسخ‌گویی به سوالات قرابت معنایی مهارت پیدا کنیم؟

همه این‌ها را گفتیم که بگوییم: حل کردن تست‌های قرابت معنایی یک «مهارت» است؛ هیچ کتابی وجود ندارد که به شما «فرمول» حل کردن تست‌های قرابت معنایی را بدهد. همان طور که در هیچ کتابی فرمولی برای راننده شدن وجود ندارد! در مبحث قرابت معنایی آن چه باعث پیشرفت شما می‌شود فقط تمرین کردن است؛ باید پشت فرمان قرابت بنشینید و حل کردن آن را بیاموزید.

طبیعی است به هنگام راندگی مرتکب خطاهایی می‌شوید. در هنگام بروز خطا، چاره‌ای وجود ندارد جز این که یا مقدار تمرین را بیشتر کنید یا همان مقدار تمرین را با دقت بیشتری انجام دهید. در تست قرابت معنایی هم، برای برطرف کردن خطاها، چاره‌ای جز تمرین و دقت بیشتر وجود ندارد.

پیشرفت در آموزه‌های «مهارت‌محور» بسیار آهسته صورت می‌گیرد. مثلاً یادگرفتن هر زبانی، بیشتر مهارت است تا علم. پس فریب تبلیغاتی هم چون «آموزش مکالمه انگلیسی در یک هفته» را نخورید! تبلیغات‌چی‌ها یا نمی‌دانند چه می‌گویند یا فریبکار هستند. آموختن هر زبانی، علاوه بر دانش، نیاز به مهارت فراوان دارد و مهارت، آهسته‌آهسته و با تمرین «مستمر» به دست می‌آید. «ماهر» شدن در قرابت معنایی نیز زمان‌بر است. پس اگر در طول سال به تمرین نپرداخته‌اید، تبلیغاتی هم چون «جمع‌بندی قرابت معنایی در سه جلسه» جز خالی کردن جیب شما، فایده‌ای برایتان ندارد! پس دست‌به‌کار شوید و تمرین کردن روزانه را شروع کنید و یادتان باشد قرار نیست در مدت اندکی معجزه رخ دهد.

با این مقدمات، حتماً متوجه شده‌اید که در این کتاب هیچ «فرمولی» برای پاسخ‌دادن به تست‌های قرابت معنایی ارائه نشده و فراتر از آن، می‌دانیم که امکان ارائه «فرمول» برای آموزه‌های «مهارت‌محور» وجود ندارد. اگر قصد دارید

تمرین‌های هدفمند و توانمندساز را انجام دهید، ما به شما قول می‌دهیم در حد توانایی‌هایمان، بهترین ماشین قرابت معنایی را برای تمرین‌های روزانه شما مهیا کرده‌ایم.

در آموزه‌های مهارت‌محور، تمرین «مستمر» اهمیت فراوانی دارد. اگر شخصی (الف) روزانه نیم ساعت تمرین رانندگی کند، در هفته، سه ساعت و نیم رانندگی کرده است و اگر شخصی (ب) از ابتدا تا انتهای هفته، هیچ تمرینی نکند و فقط جمعه‌ها سه ساعت و نیم تمرین کند، مطابق آمار، این دو شخص به یک میزان تمرین کرده‌اند، اما هم تجربه و هم مطالعاتی که در حوزه روان‌شناسی آموزش صورت گرفته است، نشان می‌دهد شخص (الف) قطعاً زودتر به مهارت موردنظر دست می‌یابد. بنابراین سفارش ما این است که هر روز تعدادی تست را تعیین کنید و پشت فرمان قرابت معنایی بنشینید. عدد دقیق این مقدار، بستگی به ضعف و قوت شما از ۵ تا ۱۵ تست، متغیر است.

به هنگام حل تست، چه به پاسخ صحیح دست یافته باشید چه نه، «واجب» است پاسخ تشریحی را بخوانید؛ خواندن پاسخ‌ها و رجوع دوباره به گزینه‌ها، یکی از فعالیت‌هایی است که فهم ادبی شما را بالا می‌برد. بنابراین توصیه اکید می‌کنیم هرگز به پاسخ‌نامه کلیدی اکتفا نکنید. اگر مقررات انتشارات اجازه می‌داد، پاسخ‌نامه کلیدی را در انتهای کتاب نمی‌گذاشتیم تا مجبور شوید پاسخ تشریحی را بخوانید! در برخی پاسخ‌های تشریحی، فقط به مفهوم کلی اکتفا شده است، اما در بسیاری موارد که حدس می‌زدیم بیت، کمی دشوار است، علاوه بر مفهوم کلی، معنی بیت را هم نوشته‌ایم.

اهمیت و جایگاه قرابت معنایی در کنکور

در کنکور، از مجموعه ۲۵ سؤال، ۹ سؤال قرابت معنایی می‌آید، بنابراین تا این جای کار، دست کم ۳۶ درصد آزمون ادبیات مستقیماً به قرابت معنایی می‌پردازد. اما کار به این جا ختم نمی‌شود. واقعیت این است که جواب‌دهی به بسیاری از سؤالات دیگری هم که ذیل عنوان قرابت معنایی دسته‌بندی نمی‌شوند، بستگی به مهارت داوطلب در قرابت معنایی دارد:

الف) از سه سؤال املا، «حداقل» یکی از آن‌ها در شعر یا در نثرهای کهن مطرح می‌شود، مثلاً از شما می‌خواهند ببینید در کدام یک از ابیات، غلط املائی وجود دارد یا وجود ندارد. واضح است که یافتن غلط املائی در شعر یا نثر قدیمی یک پیش‌نیاز مهم دارد؛ شما ابتدا باید بتوانید متن سؤال را بخوانید و معنی کنید و سپس تعیین کنید که غلط املائی دارد یا ندارد. به ویژه آن‌که طراحان کنکور علاقه زیادی به واژه‌های «هم‌آوا» دارند. گروه‌واژه‌هایی همچون: ثواب و صواب، منسوب و منصوب، بحر و بهر، انتساب و انتصاب، سمن و ثمن و ... به عنوان مثال برای یافتن این‌که واژه «ثواب» در بیت زیر نادرست است، دانش‌آموز باید در قرابت معنایی ورزیده باشد:

اول نظر ز دست بر فتم عنان عقل وان را که عقل رفت چه داند «ثواب» را؟

یعنی با یک نگاه عاقل از بین رفت و کسی که عقلش از بین رفته باشد، کار صواب (= درست) را نمی‌شناسد.

ب) از میان ۵ سؤال مربوط به دستور، معمولاً و حداقل سه سؤال در قالب شعر مطرح می‌شود. برای پاسخ‌دادن به این نوع سؤالات دستوری، نیازمند مهارت قرابت معنایی هستید. در واقع، این نوع سؤالات در «ظاهر» در بخش دستور طبقه‌بندی می‌شوند، اما در «واقع» نوعی سؤال قرابت معنایی هستند. مثلاً برای دانستن این‌که نقش ضمیر چیست، به نظر شما چاره‌ای جز دانستن معنی و مفهوم بیت داریم؟ به نمونه پیشین، این بار از منظر نقش ضمیر توجه کنید:

اول نظر ز دست بر فتم عنان عقل وان را که عقل رفت چه داند صواب را؟

در نظر اول، عنان عقل از دستم برفت ...

در سال‌های متممادی که دانش‌آموزان را برای کنکور آماده می‌کنیم، به تجربه دریافته‌ایم که اغلب دانش‌آموزان، مباحث نظری دستور را می‌دانند؛ یعنی بسیاری از دانش‌آموزان، تعریف نقش‌های دستوری، تعریف حذف به قرینه لفظی یا معنایی و ... را می‌دانند، اما وقتی همین مباحث در شعر یا نثر قدیمی مطرح می‌شود، به

علت ناتوانی در خواندن و معنی کردن و استنباط مفاهیم ابیات، از پاسخ دادن به این سؤالات دستوری عاجزند. (ج) سهم مبحث آرایه‌های ادبی در کنکور ۴ تست است. نیاز به توضیح ندارد که پاسخ دادن به اکثر تست‌های آرایه، بستگی تام و تمام به میزان مهارت شما در درک معنی ابیات دارد. اگر دانش‌آموزی معنی یک بیت را نفهمد، چه‌طور می‌تواند به آرایه‌هایی هم‌چون: تناقض، حسن تعلیل، اسلوب معادله، ایهام، ایهام تناسب، کنایه، مجاز، استعاره، جناس همسان، تشبیه و ... پاسخ دهد؟ به عنوان مثال، اگر معنی دو بیت زیر را ندانیم، نمی‌توانیم تعیین کنیم جناس همسان دارند یا نه:

گدا را چو حاصل شود نان «شام» چنان خوش بخشید که سلطان «شام»
 «شام» سیاه ما را چون صبح کن ز چهره صبح سفید دشمن از غصه «شام» گردان

در بیت نخست، «نان شام» به معنی نان شب و در مصراع دوم همین بیت، «سلطان شام» به معنی پادشاه ناحیه شام است و بنابراین بین این دو واژه جناس همسان هست. اما در نمونه دوم، هر دو «شام» به معنی «شب» به کار رفته‌اند و بنابراین، بیت دوم فاقد جناس همسان است. برای رسیدن به پاسخ، چاره‌ای جز معنی کردن و فهمیدن ابیات وجود ندارد.

تاکنون به این فکر کرده‌اید با این که بسیاری از آرایه‌های ادبی را در سال‌های گذشته یا حتی در متوسطه اول خوانده‌اید، اما هنوز از پاسخ دادن به بسیاری از تست‌های همان آرایه‌های پیش‌آموخته درمی‌مانید؟ قطعاً یکی از مهم‌ترین دلایل آن و بلکه مهم‌ترین دلیل آن، ضعف در بخش قرابت معنایی است.

(د) در حفظی‌ترین مبحث کنکور، یعنی «معنی لغت» نیز گاهی به سراغ طرح تست لغت در اشعار یا متن‌های قدیمی می‌روند؛ به ویژه واژه‌هایی که بیش از یک معنی دارند. برای پاسخ دادن به این گونه سؤالات نیز، مهارت شما در قرابت معنایی کارساز است. به عنوان مثال، واژه «دستور» که در کتاب فارسی ۳ به کار رفته است، معانی متعددی دارد: اجازه، راهنما و وزیر. برای دانستن این که «دستور» در بیت زیر به معنی «وزیر» به کار رفته است، چاره‌ای جز این نیست که باز هم دست به دامان مهارت خود در قرابت معنایی شوید:

تو کافتاب زمینی، به هیچ سایه مرو مگر به سایه دستور پادشاه زمان

با این توضیحات و با یک حساب سرانگشتی، متوجه خواهید شد که مستقیم و غیرمستقیم، پاسخ‌دهی به ۱۸ سؤال کنکور از مجموع ۲۵ سؤال، کم یا زیاد به میزان مهارت شما در قرابت معنایی بستگی دارد. هجده سؤال یعنی ۷۲ درصد! این درصد زمانی اهمیت خود را بیشتر نشان می‌دهد که بدانیم در سال‌های اخیر و در درس ادبیات، میانگین هزار نفر اول کنکور در سه رشته انسانی، تجربی و ریاضی حدود ۶۰ درصد بوده است!

چرا کتاب هفت‌خان خیلی سبز؟

طرح تست قرابت معنایی، کاری طاقت‌فرسا و حتی در مواردی جانکاه است. مخصوصاً اگر ورای بازار عجیب و غریب کنکور و مسابقه‌ای که برخی ناشران در سریع چاپ کردن کتاب‌هایشان دارند، دغدغه کار درست، باکیفیت و مفید هم داشته باشیم. با اطمینان می‌گوییم در این کتاب از هر مفهومی که امکان طرح تست قرابت داشته است، سؤال طرح کرده‌ایم و از کنار هیچ مفهوم مهم، نسبتاً مهم و یا حتی کم‌اهمیت، بدون تست، عبور نکرده‌ایم. آشکار است برخی مفاهیم اهمیت بیشتری دارند. از این مفاهیم مهم و پرکاربرد تست‌های بیشتری، با الگوهای متفاوت طرح کرده‌ایم تا این مفاهیم، ملکه ذهن شما بشوند.

از تست‌های کنکور به بهترین شکل استفاده کرده‌ایم. در درس‌هایی که میان کتاب‌های نظام قدیم و جدید مشترک بوده‌اند، سؤالات قابل استفاده را آورده‌ایم. در درس‌های دیگر هم هر تستی را که مفهوم مشابه آن در کتاب نظام جدید موجود بود، با کمی تغییر برای شما آورده‌ایم. تست‌های

کنکورهای نظام جدید هم بدون کم و کاست در کتاب استفاده شده‌اند؛ اما اغلب تست‌های این کتاب، هم‌چنان که خواهید دید، تألیفی هستند.



در پاسخ تشریحی، پاسخی کامل و در عین حال مختصر و دقیق برای سؤالات آورده‌ایم. تنها به نشان دادن پاسخ درست اکتفا نکرده‌ایم، بلکه مفهوم تک‌تک گزینه‌ها را بیان کرده‌ایم، به گونه‌ای که با خواندن پاسخ‌نامه مشکل شما به طور کامل مرتفع شود. گاهی در بررسی ابیات دشوارتر، معنی بیت را هم آورده‌ایم ولی در اکثر اوقات به آوردن مفهوم بیت اکتفا کرده‌ایم. همان‌طور که قبلاً گفتیم در طرح سؤالات، پوشش کامل مطالب کتاب درسی را در نظر داشته‌ایم، در پاسخ تشریحی هم هدفمان این بوده است که تمام مفاهیم مهم کتاب تشریح و تحلیل شوند.

درس‌نامه‌های بسیار مفید و آموزنده‌ای هم در چاپ جدید کتاب افزوده شده است. پیش‌تر گفتیم که برای مهارت در پاسخ‌گویی به سؤالات قرابت چیزی جز تمرین و تکرار به شما کمک نمی‌کند، اما در شروع کار باید با ابیات کتاب درسی و مفاهیم آن‌ها آشنا باشید و بعضی مطالب مهم و اساسی را بدانید تا بتوانید ابیات را درست بخوانید و مفهوم آن‌ها را بیابید. تمام این مطالب را در درس‌نامه‌هایی دقیق و حرفه‌ای برای شما جمع کرده‌ایم که در ادامه آن‌ها را معرفی خواهیم کرد. حتماً این درس‌نامه‌ها را با دقت بخوانید و از مطالب آن به بهترین شکل استفاده کنید.

کتاب هفت‌خان چه بخش‌هایی دارد؟

در فصل اول کتاب، درس‌نامه‌ای کامل و کاربردی برای شما آورده‌ایم تا شیوه درست خواندن بیت و راه رسیدن به مفهوم را به شما نشان دهد. مهم‌ترین مانعی که در ابتدای کار نه‌تنها در حل سؤالات قرابت بلکه در سؤالات دستور و آرایه، دانش‌آموزان با آن مواجه هستند، درست خواندن بیت است. بیت را چگونه بخوانیم؟ چه طور ابیات را مرتب کنیم؟ به چه نکات دستوری در مرتب‌ساختن ابیات توجه کنیم؟ چه موقع باید دو مصراع را به هم پیوسته بخوانیم؟ از وزن شعر چه‌طور برای شناخت درست واژه‌ها، معنی و مفهوم بیت‌ها کمک بگیریم؟ پاسخ این سؤالات و کلاً هر مهارت و دانسته‌ای را که برای درست خواندن شعر و درک مفهوم یک بیت به آن نیاز دارید در این درس‌نامه خواهید یافت و شما با خواندن این درس‌نامه می‌توانید خود را برای رویارویی با سؤالات قرابت مجهز و آماده کنید. در بخش دیگر این فصل، فهرست کاملی از واژگانی که شناختن آن‌ها، در درست خواندن و درست معنی کردن بیت ضروری است، آورده‌ایم. این واژه‌ها در دو بخش تنظیم شده‌اند. در بخش اول تحت عنوان «درست بخوانیم» با واژگانی مثل «خَم» و «خُم» آشنا می‌شوید که تلفظ متفاوت دارند و در هنگام خوانش بیت، تشخیص شکل درست آن‌ها برای رسیدن به درک درست از معنی و مفهوم ضروری است. در بخش دوم با عنوان «درست معنی کنیم» به واژه‌هایی مثل «بالا» پرداخته‌ایم که غیر از معنی رایج آن‌ها که مقابل پایین است، به معنی «قد و قامت» نیز کاربرد دارد. شناختن این واژه‌ها و تشخیص معنی درست آن‌ها هم در رسیدن به معنی و مفهوم بیت ضروری است. در بخش دیگری از درس‌نامه به معرفی الگوهای مهم تست قرابت و شیوه پاسخ‌گویی به هر کدام پرداخته‌ایم تا نگاهی دقیق‌تر و کامل‌تر به سؤالات قرابت کنکور پیدا کنید.

در فصل دوم مفاهیم و مضامین ابیات کتاب درسی به طور کامل و دقیق تشریح شده‌اند. ابیات و عبارات مهم کتاب درسی، درس‌به‌درس آورده شده‌اند و برای هر کدام که نیاز بوده است شرحی کوتاه درج شده است و بعد از آن ابیاتی به عنوان مثال آورده‌ایم تا به طور کامل و دقیق با مفهوم بیت یا عبارت کتاب درسی آشنا شوید. برای هر مفهوم هم به جای نوشتن مفهوم، مصراع یا جمله‌ای آهنگین و ساده انتخاب شده است تا به خوبی در ذهن شما ثبت شود. در کنار مفاهیم مهم‌تر و

پکربردتر نماد  قرار داده‌ایم تا اهمیت آن مفهوم مشخص شود و مفاهیمی که در کنکور سراسری سؤال داشته‌اند هم با نماد  مشخص شده‌اند. خواندن و تأمل کردن در این بخش از درس‌نامه گام بسیار مهمی است برای رویارویی با تست‌های قرابت معنایی. آن‌چه که از کتاب درسی لازم دارید و باید بدانید به تمامی در این درس‌نامه آمده است تا شما نیازی به مراجعه به کتاب درسی نداشته باشید.

اما مهم‌ترین بخش کتاب، پرسش‌های چهارگزینه‌ای است که پیش از این هم در مورد اهمیت آن سخن گفته‌ایم. تمام درس‌نامه‌ها و نکاتی که در بخش‌های قبل آموخته‌اید در حکم مقدمه‌ای ارزشمند هستند تا شما را برای این فصل از کتاب آماده کنند. در فصل دوم بعد از درس‌نامه مفاهیم، سؤالات چهارگزینه‌ای به صورت درس‌به‌درس چیده شده‌اند. ترتیب سؤالات عمدتاً از ساده به دشوار است. از همه مفاهیم مهم درس سؤال طرح کرده‌ایم ولی به مفاهیم مهم و پرتکرار بیشتر توجه شده است. البته سعی کرده‌ایم از تکرار بیش از حد آن مفاهیم پرهیز کنیم. ترتیب درس‌ها هم به این صورت است که ابتدا درس‌های دوازدهم، بعد از آن یازدهم و در آخر درس‌های دهم آمده‌اند.

در فصل سوم، برای این‌که بتوانید مهارت خودتان را در فضای بزرگ‌تری هم بسنجید، چهل آزمون قرار داده‌ایم که در هر آزمون ۱۰ سؤال، مطابق با تعداد سؤالات کنکور سراسری، قرار دارد. پاسخ‌گویی تدریجی به این آزمون‌ها می‌تواند در افزایش مهارت شما در مبحث قرابت معنایی بسیار مفید و مؤثر باشد. چیدمان آزمون‌ها هم ساده به دشوار است.

در فصل چهارم پاسخ تشریحی سؤالات چهارگزینه‌ای آمده است که پیش از این در مورد ویژگی‌های این بخش صحبت کردیم. در پاسخ تشریحی این کتاب علاوه بر تشریح گزینه پاسخ و صورت سؤال، نادرستی گزینه‌های دیگر هم نشان داده شده است و با مطالعه کامل آن تمام مطالب مهم کتاب‌های درسی و تست‌های کنکور مجدداً مرور خواهد شد.

در فصل پنجم هم ضمایم کتاب قرار دارد. در بخش اول ضمایم، فهرست کاملی از آیات و روایات و عبارات عربی کتاب درسی را آورده‌ایم و در کنار آن، ترجمه و مفهوم هر یک از این آیات، احادیث و عبارات را ذکر کرده‌ایم. در بخش دوم فهرستی از نمادها و سنت‌های رایج در ادبیات را برای شما فراهم کرده‌ایم. همه شما در پاسخ‌گویی به سؤال قرابت، با آرایه و حتی دستور به واژه‌های مانند «رند»، «خرابت» یا «زَنار» برخورد کنید که معنی لغوی و کاربرد آن را در سنت ادبی نمی‌دانسته‌اید و درک درست شما از بیت وابسته به درک درست شما از این واژه بوده است. ما در این بخش مهم‌ترین نمادهای رایج در ادبیات کنکور را آورده‌ایم و آن‌ها را به صورت الفبایی تنظیم کرده‌ایم تا در هنگام لزوم به آن مراجعه کنید؛ اما بهتر است از این بخش فقط به عنوان یک ضمیمه مرجع استفاده نکنید و به صورت مستقل نیز آن را مطالعه کنید؛ قطعاً در افزایش درک ادبی شما و بیشتر لذت‌بردن از ابیات مؤثر است.

چگونه از کتاب قرابت هفت‌خان استفاده کنیم؟

توصیه ما این است که از همان آغاز، هم‌زمان با مطالعه درس‌نامه‌ها، پاسخ‌دادن به سؤالات درس‌به‌درس را شروع کنید. درس‌نامه فصل اول و دوم را هم، هم‌زمان با هم پیش ببرید. فصل اول کتاب را در دو ماه اول کامل کنید ولی تا آخر سال نیاز است دائم به آن مراجعه کنید. در بخش درس‌به‌درس اگر بتوانید هر شب تست بزنید بیشترین بازدهی را از این بخش خواهید گرفت. مطالعه این بخش تا اسفند ماه ادامه پیدا خواهد کرد و برنامه پیش‌روی شما هم بهتر است متناسب با برنامه آزمون‌هایی باشد که در آن شرکت می‌کنید، فقط مهم است به تدریج و با نظم پیش بروید. کمی

که از مطالعه بخش درس به درس گذشت و کم کم دستتان در پاسخ‌گویی به سؤالات قرابت روان شد (اگر شبی پانزده دقیقه تست بزنید، حدوداً دو یا سه ماه زمان می‌برد تا در پاسخ‌گویی به تست‌های قرابت روان شوید) لازم است در کنار سؤالات فصل دوم به سؤالات فصل سوم هم پاسخ بدهید. در ابتدا هر هفته به یک آزمون پاسخ دهید و در کنار آن که به صورت درس به درس مطابق با آزمون‌ها پیش می‌روید، تست جامع هم بزنید. بعد از دو یا سه ماه، تعداد آزمون‌ها را به دو آزمون در هفته افزایش دهید و بعد از آن سه آزمون را در یک هفته بررسی کنید. یعنی اگر شما از مرداد به مطالعه این کتاب می‌پردازید تا آخر مهر فقط درس‌نامه بخوانید و تست درس به درس بزنید. از آبان تا آخر دی‌ماه، در کنار مطالعه و تست درس به درس، هفته‌ای یک آزمون (آزمون‌های ۱ تا ۱۰) حل کنید. از ابتدای بهمن تا آخر اسفند هفته‌ای دو آزمون (آزمون‌های ۱۱ تا ۲۶) را بررسی کنید و آزمون‌های باقی‌مانده را در ماه‌های فروردین و اردیبهشت، بررسی کنید.

تألیف این کتاب را با نهایت دقت شبیه به سواس به انجام رساندیم. با وجود این، از خطاهای احتمالی برکنار نیست که گفته‌اند: «الکمال لله». از همکاران و معلمان نکته‌سنج در سراسر کشور و همچنین داوطلبان عزیز، درخواست می‌کنیم، نقدها، نظرات و پیشنهادهای خود را حتماً و لطفاً به مؤلفان اطلاع دهند که به تعبیر معجزه اعصار، سعدی شیرازی: «متکلم را تا کسی عیب نگیرد، سخنش صلاح نپذیرد».

در پایان، از همه دوستانمان در انتشارات خلیلی سبز صمیمانه تشکر می‌کنیم:

- دکتر کمیل نصری، مثل همیشه روحیه بخش و کاربلد. آقای دکتر نصری از شما ممنونیم.
- جناب آقای مهندس سبزمیدانی، مدیر مدبّر تألیف بوده‌اند. از ایشان صمیمانه سپاس‌گزاریم.
- خانم‌ها و آقایان اسمعیل محمدزاده، شهنام دادگستر، دکتر رضا ختّازها، مینا سعیدی ملک، دکتر سیاوش خوشدل، دکتر مجتبی احمدوند، دکتر فاطمه قادری، سید سعید احمدپور مقدم، پروانه داوطلب محمودی، اسماعیل تشیعی، تارا کرم‌وندی، نازنین درویشی زکّنی، مرضیه اصغرنژاد فرید و الناز معتمدی، زحمت و ویرایش و اصلاح کتاب را کشیده‌اند. از همه این بزرگواران سپاس‌گزاریم که با نظر موشکافانه خود تک‌تک تست‌ها و پاسخ‌ها را خوانده‌اند و خطاها را به مؤلفان یادآور شده‌اند. جناب آقای دکتر بقائی نیز همچون همیشه در کنار ما بودند و راه نمودند؛ از ایشان نیز ممنونیم.
- سرکار خانم هدی ملک‌پور، با جدیت همراه مهربانی، مسئول این پروژه بوده‌اند. خانم ملک‌پور، قدردان زحمات شما هستیم.
- آراستگی این کتاب، به عهده همکاران حرفه‌ای ما در واحد تولید بوده است. حسن ختام این مقدمه، تشکر ویژه از این دوستان است.

فهرست

۹۰	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۹۵	درس هشتم: از پاریز تا پاریس. سه مَرکب زندگی
۹۶	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۰۰	درس نهم: کویز. بوی جوی مولیان
۱۰۱	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۰۴	درس دهم: فصل شکوفایی. تیرانا!
۱۰۶	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۰۸	درس یازدهم: آن شب عزیز. شکوه چشمان تو
۱۰۹	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۱۰	درس دوازدهم: گذر سیواش از آتش. به جوانمردی کوش
۱۱۲	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۱۶	درس سیزدهم: خوان هشتم. ای میهن!
۱۱۷	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۱۹	درس چهاردهم: سی مرغ و سیمرغ. کلان‌تر و اولی‌تر!
۱۲۵	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۳۲	درس شانزدهم: کباب غاز. ارمیا
۱۳۳	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۳۶	درس هفدهم: خنده تو. مسافر
۱۳۷	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۳۹	درس هجدهم: عشق جاودانی. آخرین درس
۱۴۰	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۴۲	نیایش: لطف تو
۱۴۳	پرسش‌های چهارگزینه‌ای

فارسی یازدهم

۱۴۵	ستایش: لطف خدا
۱۴۶	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۴۸	درس یکم: نیکی. همت
۱۵۰	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۵۵	درس دوم: قاضی بَست. زاغ و کبک
۱۵۶	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۵۹	درس سوم: در امواج سندن. چو سرو باش
۱۶۱	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۶۳	درس پنجم: آغازگری تنها. تا غزل بعد ...
۱۶۴	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۶۵	درس ششم: پرورده عشق. مردان واقعی
۱۶۷	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۷۱	درس هفتم: باران محبت. آفتاب خُسن
۱۷۵	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۷۹	درس هشتم: در کوی عاشقان. چنان باش ...

فصل اول مبارت درک سوال‌های قرابت معنایی

۱۴	بخش اول: چه طور شمراد است بخوانیم و بنویسیم؟
۱۴	الف. درست خواندن شعر
۱۴	مرتب کردن بیت
۱۵	ارتباط دستوری میان دو مصراع
۱۶	سر هم خوانی، جداخوانی و کسرۀ اضافه
۱۶	حذف
۱۷	جابه‌جایی ضمیر متصل و نقش آن
۱۷	جابه‌جایی در ترکیب
۱۸	«نه» به عنوان پیشوند نفی فعل
۱۹	رعایت وزن برای درست‌خوانی شعر
۱۹	ب. مفهوم شعر، نحوه استخراج و کاربرد آن
۱۹	تفاوت میان معنی و مفهوم
۲۱	مفاهیم موجود در شعر
۲۴	بخش دوم: بررسی الگوهای رایج قرابت معنایی لگور
۲۷	بخش سوم: واژه‌های مؤثر در قرابت معنایی از نظر کاربرد و مفهوم
۲۷	الف. درست بخوانیم
۳۵	ب. درست معنی کنیم

فصل دوم آموزش خوانیم و قرابت معنایی پریش‌های همکاریندهای فارسی دوازدهم

۵۰	ستایش: ملکا، ذکر تو گویم
۵۱	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۵۲	درس یکم: شکرِ نعمت. گمان
۵۶	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۶۱	درس دوم: مست و هُشیار. در مکتب حقایق
۶۴	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۶۹	درس سوم: آزادی. دفتر زمانه. خاکریز
۷۰	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۷۳	درس پنجم: دماوندیه. جاسوسی که الاغ بود!
۷۴	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۷۶	درس ششم: نی‌نامه. آفتاب جمال حق
۸۱	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۸۶	درس هفتم: در حقیقت عشق، سودای عشق. صبح ستاره‌باران

۲۵۸	درس دهم: دریدلان صف‌شکن. یک گام فراتر
۲۵۹	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۲۶۱	درس یازدهم: خاک آزادگان. شیرزنان ایران
۲۶۲	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۲۶۳	درس دوازدهم: رستم و اشکبوس. عامل و رعیت
۲۶۴	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۲۶۷	درس سیزدهم: گردآفرید. دلیران و مردان ایران‌زمین
۲۶۹	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۲۷۱	درس چهاردهم: طوطی و بقال. ای رفیق!
۲۷۳	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۲۷۶	درس شانزدهم: خسرو. طزاران
۲۷۸	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۲۸۳	درس هفدهم: سپیده‌دم. مزار شاعر
۲۸۳	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۲۸۴	درس هجدهم: عظمت نگاه. سه پرسش
۲۸۹	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۲۹۲	نیایش: الهی
۲۹۲	پرسش‌های چهارگزینه‌ای

فصل ۴ آزمون‌های جامع

۲۹۴	آزمون‌های جامع (آزمون اول تا چهارم)
-----	-------------------------------------

فصل پنجم پاسخ‌نامه تشریحی

۳۵۸	پاسخ‌نامه تست‌های درس‌به‌درس
۴۹۰	پاسخ‌نامه آزمون‌های جامع

فصل پنجم ضمایم کنکوری

۵۴۰	آیات، احادیث و عبارات‌های عربی کتاب درسی
	سنت‌های ادبی و نمادهای رایج در قرابت معنایی
۵۴۴	کنکور
۵۴۴	نماد
۵۴۴	سنت‌های ادبی
	فهرست نمادها، سنت‌های ادبی و باورهای رایج و
۵۴۵	پروکاربرد در شعر فارسی

۵۵۳

پانزدهم کبدری

۱۸۱	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۸۴	درس نهم: ذوق لطیف. مینای دوستی
۱۸۶	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۸۸	درس دهم: بانگ جزس. به یاد ۲۲ بهمن
۱۸۹	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۹۰	درس یازدهم: باران عاشق. صبح بی تو
۱۹۰	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۹۳	درس دوازدهم: کاوه دادخواه. کردانی
۱۹۴	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۹۷	درس چهاردهم: حمله حیدری. وطن
۱۹۸	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۲۰۰	درس پانزدهم: کبوتر طوق‌دار. مهمان ناخوانده
۲۰۲	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۲۰۵	درس شانزدهم: قصه عینکم. دیدار
۲۰۷	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۲۰۸	درس هفدهم: خاموشی دریا. تجسم عشق
۲۰۹	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۲۱۱	درس هجدهم: خوان عدل. آذرباد
۲۱۴	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۲۱۶	نیایش: الهی
۲۱۶	پرسش‌های چهارگزینه‌ای

فارسی دهم

۲۱۸	ستایش: به نام کردگار
۲۱۹	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۲۲۰	درس یکم: چشمه. پیرایه خرد
۲۲۳	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۲۲۶	درس دوم: از آموختن، ننگ مدار. دیوار
۲۲۸	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۲۳۱	درس سوم: پاسداری از حقیقت. دیوار عدل
۲۳۲	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۲۳۴	درس پنجم: بیداد ظالمان. همای رحمت
۲۳۵	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۲۴۰	درس ششم: مهر و وفا. حقه راز
۲۴۳	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۲۴۵	درس هفتم: جمال و کمال. بوی گل و ریحان‌ها
۲۴۸	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۲۵۴	درس هشتم: سفر به بصره. شی در کاروان
۲۵۴	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۲۵۶	درس نهم: کلاس نقاشی. پیرمرد چشم ما بود
۲۵۷	پرسش‌های چهارگزینه‌ای



بخش اول: چه طور شعر را درست بخوانیم و بفهمیم؟

الف. درست خواندن شعر

خیلی وقت‌ها شعرها را می‌خوانیم؛ اما بعد می‌فهمیم نتوانسته‌ایم درست بخوانیمشان یا معنی و مفهومشان را بفهمیم. اصولاً بهترین کار برای این که شعر را درست بخوانیم این است که شعر زیاد بخوانیم. بعضی آدم‌ها طبع لطیف و شاعرانه‌ای دارند؛ شعر زیاد می‌خوانند، آهنگ زیاد گوش می‌دهند و گوششان به بالا و پایین اشعار و کلمات حساس‌تر است و در خواندن شعر، کم‌تر اشتباه می‌کنند. بعضی‌ها هم اهل شعر و ادبیات نیستند و به همین خاطر باید بیشتر تمرین کنند تا شعرها را درست‌تر بخوانند!

با هم برویم و خیلی مختصر و مفید و سریع چندتا از تکنیک‌های کمی برای درست شعرخواندن را ببینیم؛ ما آگاهانه در بیان تکنیک‌ها از آوردن مثال‌های خیلی ساده پرهیز کرده‌ایم تا برای حرف‌های جدی و حساسی جا داشته باشیم!

مرتب کردن بیت

هر چیزی وزنی دارد؛ شعر هم «وزن» دارد؛ مثلاً بیت

«زلف او برده قرار خاطر از من یادگاری من هم از آن زلف دارم یادگاری بی‌قراری» (شهریار)

را اگر خواهیم در ترازوی ادبیات فارسی وزنش بکنیم، می‌گوییم هم‌وزن
 دم ددم دم، دم ددم دم، دم ددم دم، دم ددم دم، دم ددم دم، دم ددم دم، دم ددم دم

یا

تن تثن تن، تن تثن تن، تن تثن تن، تن تثن تن، تن تثن تن، تن تثن تن، تن تثن تن، تن تثن تن

است.

شاید «دم ددم دم» یا «تن تثن تن» برایتان کمی عجیب و غریب به نظر بیاید. حق هم دارید. راستش شاعران و ادیبان با هم قرار گذاشته‌اند که در علم «عروض» که به بررسی وزن شعر می‌پردازد از «ف»، «ع» و «ل» استفاده کنند. این طوری، وزن بیت بالا می‌شود:

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

این‌ها را گفتیم تا ربطش با مرتب کردن شعر را بگوییم. شاعر برای رعایت وزن شعر - که اصل جدایی‌ناپذیر شعر سنتی فارسی است - بیشتر وقت‌ها مجبور است کلمات را در داخل بیت، پس و پیش بکند؛ یعنی نظم جملات را به هم بریزد. این کار باعث می‌شود خواندن و فهمیدن شعر گاهی اوقات سخت شود. اولین کار ما در هر گونه بررسی ادبی شعر اعم از دستوری، مفهومی (و حتی آرایه‌ای)، مرتب کردن بیت است؛

یعنی مثلاً در هر کدام از جمله‌ها، «نهاد» را بیاوریم اول جمله، فعل را ببریم آخر جمله، مفعول و متمم و مسند (و معمولاً قید) را بین این دو تا بیاوریم. ضمیرهای پیوسته (م، ت، ش، ی، مان، ی، تان، ی، شان) را سر جای خودشان نشانیم و همین‌طور تا آخر. مثلاً بیاید بیتی را که در بالا خواندیم مرتب کنیم:

مصرع اول چه می‌خواهد بگوید؟ می‌گوید: زلف آن معشوق، به عنوان یادگاری (یعنی برای خودش) قرار خاطر من را برده است! مصرع دوم چه می‌گوید؟ می‌گوید: در جواب به حرکتی که معشوق کرده است، من هم از زلف پریشان‌او، بی‌قراری را به یادگار برده‌ام و نگه داشته‌ام! حالا این طوری انگار شعر را برگردانیم

به زبان ساده و کلمات را پس و پیش کردیم و معنا هم برایمان روشن شد. اگر فقط می‌خواستیم جملات را مرتب کنیم؛ این طوری می‌شد:

زلف او، قرار خاطر [را] از من یادگاری برده / من هم از آن زلف، بی‌قراری [را] یادگاری دارم.
حالا برویم سراغ یک بیت سخت‌تر!

هر که او ارزان خرد ارزان دهد گوهری طفلی به قرصی نان دهد (مولانا)
خوب؛ مصراع اول حرفش معلوم است: هر که او [چیزی را] ارزان خرد (بخرد)، آن را [ارزان دهد (می‌دهد)؛ اما مصراع دوم، به این سادگی‌ها نیست. به نظر شما این مصراع چه می‌گوید؟ سعی کنید چندتا جابه‌جایی انجام بدهید، ببینید چه می‌شود! مصراع دوم می‌خواهد بگوید: طفلی، گوهری [را] به (= به ازای) قرصی نان می‌دهد! با جابه‌جا کردن «طفل» و «گوهر» می‌توانستید گره از این کار بکشایید. جابه‌جایی یک کلمه، اما یک جابه‌جایی خیلی مهم و اساسی!

«طفل» نهاد است و باید بیاید اول جمله. دقت کنید که در حالت درهم و برهم، پیدا کردن نقش‌ها هم برای مرتب‌کردنشان سخت است. راستش نمی‌شود از راه میان‌بر فهمید این‌جا «طفل» نهاد است. باید یک مقدار تمرین کنید و به اصطلاح با ابیات کلنجار بروید و بازی کنید؛ کم‌کم بیت را که می‌خوانید، خودش در ذهنتان مرتب می‌شود.

ارتباط دستوری میان دو مصراع

بعضی وقت‌ها یک سری از اجزای یک جمله در مصراع اول جا نمی‌شوند و شاعر مجبور می‌شود آن‌ها را به مصراع دوم ببرد؛ این، یکی از موارد مهمی است که در مرتب‌کردن بیت باید حواستان به آن باشد.

نمونه

خود نه زبان در دهان عارف مدهوش حمد و ثنا می‌کند که موی بر اعضا (سعدی)
مرتب‌شده بیت این می‌شود که: فقط زبان در دهان عارف مدهوش حمد و ثنا نمی‌کند، که (= بلکه) [هر] موی بر اعضا [حمد و ثنا می‌کند].

بیت بالا دو جمله دارد که اولاً مفعول و فعل جمله اول (حمد و ثنا می‌کند) به مصراع دوم منتقل شده، ثانیاً مفعول و فعل جمله دوم به قرینه لفظی حذف شده است:
می‌بینید که ضمناً «نه» از مصراع اول، به مصراع دوم منتقل شده و فعل را منفی کرده است: نه ... حمد و ثنا می‌کند ← حمد و ثنا نمی‌کند.

نمونه‌های دیگر

شماریت با من ببايد گرفت بدان تا جهان ماند اندر شگفت (فردوسی)
در این بیت، با یک جمله مرگب روبه‌رو هستیم که این جمله مرگب از دو جمله ساده که با پیوند وابسته‌ساز «تا» به هم وصل شده‌اند، تشکیل شده است.

تو به (= به واسطه) آن [اعمال ظالمانه‌ات] باید با من شمار بگیری (= به من حساب پس بدهی) تا

پیوند وابسته‌ساز

جمله اول

جهان اندر شگفت بماند.

جمله دوم

تذکره

۱. کلماتی را که ما به جمله اضافه می‌کنیم در داخل کروشه یا قلاب می‌آوریم.



می‌بینید که «بدان» به معنی «به آن» یا «به واسطه آن» از نظر معنایی مربوط به مصراع اول است؛ ولی به خاطر رعایت وزن شعر به مصراع دوم منتقل شده است که در مرتب کردن بیت باید برگردد به قسمت اول!

سر هم خوانی، جداخوانی و کسره اضافه

خیلی وقت‌ها باید توجه کنیم که با یک ترکیب سروکار داریم یا با دو کلمه جدا از هم؛ مثلاً در بیت زیر، «خانه خدا» (= کعبه) درست است یا «خانه خدا» (= صاحب‌خانه)!

جلوه بر من مفروش ای ملک‌الحاج که تو خانه می‌بینی و من خانه خدا می‌بینم (ماضی)
حافظ در بیت بالا خطاب به رئیس کاروان حُجَّاج می‌گوید: به من فخر فروشی نکن، چون تو اگر خانه (= کعبه) را می‌بینی، من صاحب خانه کعبه (= خداوند) را می‌بینم. حالا اگر ما «خانه خدا» را «خانه خدا» بخوانیم، بیت بی‌معنی می‌شود: ... تو خانه (= کعبه) را می‌بینی، اما من خانه خدا (= کعبه) را می‌بینم! کلام، بی‌معنی می‌شود!

بعضی وقت‌ها هم هست که تفاوت ویرگول با کسره اضافه، از زمین تا آسمان است:
چرخ بر هم زنم ار غیر مرادم گردد من نه آمم که زبونی کشم از چرخ فلک (ماضی)
قسمت «غیر مرادم گردد» را می‌شود دو جور خواند؛ یکی «غیر مرادم گردد» یعنی انگار بعد از «غیر» یک ویرگول گذاشته باشیم. دومی «غیر مرادم گردد». معنی‌ها در این دو حالت متفاوت است. برویم و ببینیم که فرقیان چیست.

خوانش اول: چرخ (= آسمان) را بر هم می‌زنم اگر غیر (= بیگانه)، مُراد و آرزوی من گردد؛

ویرگول بشود

یعنی، اگر بیگانه بشود مراد و آرزوی من، چرخ را بر هم می‌زنم. معنی مصرع دوم هم که ثابت است:

«چون من آن کسی نیستم که تحقیر چرخ فلک را تحمل بکنم.»

خوانش دوم: چرخ (= آسمان) را بر هم می‌زنم اگر غیر مُراد من گردد، چون من ...

با کسره اضافه بپرفد

خوانش دوم به مفهوم کلی بیت می‌خورد و در واقع خوانش دوم درست است.

پس این بیت می‌خواهد بگوید: اگر آسمان برخلاف مُراد و خواسته من بچرخد، آن را زیر و رو می‌کنم و کلاً دنیا را به هم می‌ریزم!

حذف

گاهی شاعر یک کلماتی را به خاطر وزن از شعر حذف کرده است. یکی از کارهای مهم برای معنی کردن بیت این است که اجزای محذوف را سر جای خودشان برگردانیم.^۱

گونه

باد در سر چون حباب ای قطره تا کی؟ خویش را

بشکن از خود، عین دریا کن، کمال این است و بس (میرزا حبیب فراسانی)

خوب؛ قدم اول چی بود؟ باید بیت را مرتب کنیم. منادا را می‌بریم اول بیت و بقیه اجزای جملات را هم مرتب می‌کنیم:

پایه

۱. حتماً در دستور زبان خوانده‌اید که اگر جزء محذوف، در جملات قبل یا بعد موجود باشد، این حذف را حذف به قرینه لفظی می‌گیریم و اگر جزء محذوف را خودمان حدس بزنیم، نوع حذف، به قرینه معنایی خواهد بود؛ مثلاً در عبارت «مریم ساعت پنج رسید و سحر ساعت شش»، فعل «رسید» از آخر جمله دوم به قرینه لفظی حذف شده است؛ اما در جمله «به نام خدا»، جزء «آغاز می‌کنم» یا «سخن می‌گویم» به قرینه معنایی حذف شده است.

ای قطره آگوش کن] چون (= مانند) حباب تا کی باد در سر [اداری]؟ خویش را بشکن از خود؛ عین دریا کن. کمال این است و بس (= جز این نیست).

موارد داخل قلاب محذوف بوده‌اند که ما ضمن مرتب‌کردن بیت و با توجه به مفهوم بیت آن‌ها را برگردانیم.

گونه‌های دیگر

خود نه زبان در دهان عارف مدهوش حمد و ثنا می‌کند که موی بر اعضا (سعدی)
این بیت را قبل‌تر هم دیدیم. اولاً ادامهٔ مصراع اول در مصراع دوم آمده؛ ثانیاً در انتهای بیت، مفعول و فعل حذف شده است:

فقط زبان، در دهان عارف مدهوش، حمد و ثنا نمی‌کند، که (= بلکه) [هر] موی بر اعضا [حمد و ثنا می‌کند].
دقت کنید که بدون توجه به اجزای محذوف بیت، معنای بیت را نمی‌شود به درستی فهمید.

جابه‌جایی ضمیر متصل و نقش آن

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات در مرتب‌کردن بیت، پیدا کردن جای اصلی ضمیر متصل و نقش آن است. این ضمیر متصل، مثل یک ماهی قرمز کوچولو از دست آدم درمی‌رود:

سر نتوانم که برآورم چو چنگ و چو دَقم پوست بدزد قفا (سعدی)
[من] همچون چنگ نمی‌توانم که سر [را] برآورم (= بلند کنم)، حتی اگر قفا (= پس‌گردنی) چو (= مانند) دَف، پوست من را بدرد.

در این جا ضمیر، جابه‌جا شده و «م» که در بیت بالا به «دَف» چسبیده، در واقع، مضاف‌الیه «پوست» است. چون شاعر گفته که قفا خوردن (مانند ضربه‌ای که به دَف می‌خورد) پوست من را بدرد. پس «م» مضاف‌الیه پوست است. باید این توضیح را اضافه کنیم که «چنگ» و «دَف» نام دو ساز است، «چنگ» حالتی منحنی و خمیده دارد و برای همین هم شاعر خود را به چنگی تشبیه کرده که به خاطر انحناش نمی‌تواند سر بلند کند و «دَف» حلقه‌ای چوبی است که پوست نازکی روی آن کشیده‌اند؛ شاعر، ضربه‌های محکمی را که هنگام نواختن به دَف زده می‌شود، به پس‌گردنی (قفا) تعبیر کرده است!

این نمونه را هم ببینید:

بسته‌ام در خم گیسوی تو، امید دراز آن مبدا که کند دست طلب کوتاهم (ماقظ)
شروع به مرتب‌کردن بیت می‌کنیم: [من] در خم گیسوی تو، امید دراز (بسیار) بسته‌ام. آن مبدا که...؟! این جای بیت، گرفتارمان کرد! آیا باید بگوییم: «دست طلب، من را کوتاه کند؟» این جمله که معنای درستی ندارد. حالت دیگر: آن مبدا که [خم گیسوی تو] دست طلب من را کوتاه بکند. می‌بینید که نهاد این جمله، همان «خم گیسوی تو» است که به قرینهٔ لفظی حذف شده است و «م» (= من) مضاف‌الیه است برای طلب!


جابه‌جایی در ترکیب

«پسر باهوش» یک ترکیب وصفی است که «پسر» موصوف و «باهوش» صفت آن است. اگر به جای «پسر باهوش» بگوییم «باهوش پسر»، جای صفت و موصوف را عوض کرده‌ایم، به این جابه‌جایی، اصطلاحاً «قلب» و این نوع ترکیب وصفی را مقلوب می‌گویند.

این نوع ترکیب هم در اشعار زیاد دیده می‌شود که اصلی‌ترین دلیلش همان رعایت وزن شعر است.

واژه‌های مؤثر در قرابت معنایی از نظر کاربرد و مفهوم

بخش سوم

از محالات است که کسی بین «خرد»، «خرد» و «خرد» گیر نکرده باشد یا به انتخاب معنی درست «روان» در بیستی فکر نکرده باشد! برای رفع این مشکل برایتان دو فهرست جداگانه از این قبیل کلمات آماده کرده‌ایم که جنبهٔ فرهنگ دارد و شما باید بارها به آن‌ها مراجعه کنید تا خوب یادشان بگیرید. حتماً یک بار روخوانی آن‌ها برای آشنایی اولیه مفید است؛ ولی باید بگوییم قرار نیست این‌ها را حفظ بکنید. اگر هنوز ابتدای راهید، در طول سال تحصیلی کم‌کم آن‌ها را یاد می‌گیرید. این جدول‌ها به دو قسمت «درست بخوانیم» و «درست معنی کنیم» تقسیم شده‌اند. اول برویم سراغ قسمت اول! 

الف. درست بخوانیم

گاهی دو یا چند واژه، شکل نوشتاری یکسان، ولی تلفظ و معنای متفاوتی دارند. تلفظ و خواندن درست این واژه‌ها در درک معنای متن یا شعر، خیلی حائز اهمیت است. ما در این‌جا کلمات را در داخل ابیات، حرکت‌گذاری کرده‌ایم تا شما بیت را درست بخوانید. بدانید که در سؤالات کنکور، این حرکت‌گذاری‌ها انجام نمی‌شود.

نمونه	معنی	لغت
ما همه چشمیم و تو نور ای صنم/ چشم بد از روی تو دور ای صنم	شَر	بَد
چنان بُد عاشق طاعت در آسرار/ که روز و شب بُد اندر خدمت یار	مخفّف «بود»	بُد
نیک‌نامی خواهی ای دل با بدان صحبت مدار/ خودپسندی جان من برهان نادانی بود	جمع بد؛ انسان‌های بد	بَدان
دلی که با سر زلفین او قراری داد/ گمان مبر که بدان دل، قرار بازآید	به + آن؛ به آن	بِدان
گفته بُدی من ندانم و نتوانم/ داد تو دادن یقین بدان که تو دانی	آگاه باش، دانسته باش (فعل امر)	بِدان
زین بی‌خردان سفله پستان/ داد دل مردم خردمند	بگیر	بِستان
رونق عهد شباب است دگر بُستان را/ می‌رسد مژدهٔ گل بلبل خوش‌آلحان را	گلزار و گلستان	بُستان
یار مردان خدا باش که در کشتی نوح/ هست خاکی که به آبی نخرد طوفان را	به عنوان، به اندازهٔ	به



درس یکم: شکر نعمت بجان

شکرِ نعمت، نعمت افزون کند

شکر و سپاس از خداوند مایهٔ افزونی نعمت می‌شود.

مَنْتِ خدای را عَزَّ و جَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

شکرِ نعمت، نعمت افزون کند
 کفر، نعمت از کفت بیرون کند
 حقِ نعمت شناختن در کار
 نعمت افزون دهد به نعمت‌خوار
 دوام دولت اندر حق‌شناسی است
 زوال نعمت اندر ناسپاسی است
 نعمت شود زیاده به قدرِ زبانِ شکر
 نخلی است این‌که ریشهٔ آن در دهان توست
 خردمند طبعانِ منت‌شناس
 بدوزند نعمت به میخ سپاس

شُکر تو را کس نتواند که به جای آورد

انسان نمی‌تواند آن‌گونه که بایسته و شایسته است از عهده شکر و سپاس‌گزاری از نعمت‌های بی‌شمار خداوند، برآید.

﴿اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشُّكُورُ﴾ (ای خاندان داوود، شکرگزار باشید و اندکی از بندگان من اندکی سپاس‌گزارند.)

از دست و زبان که برآید
بنده همان به که ز تقصیر خویش
ورنه سزاوار خداوندی‌اش
عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: ﴿مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ﴾ (تو را چنان‌که شایسته عبادت تو است، پرستش نکردیم.)

فضل خدای را که تواند شمار کرد؟
نعمت بار خدایا ز عدد بیرون است
گر به هر مویی زبانی باشدت
یا کیست آن که شُکر یکی از هزار کرد؟
شُکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار
شکر یک نعمت نگویی از هزار

بخشش و نعمت خدا، فراگیر است

خداوند، روزی همه را فراهم می‌کند و نعمت و لطف و عطای او شامل حال همه موجودات می‌شود.

باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریغش، همه جا کشیده ...

﴿جَلَّ جَلَالُهُ وَ عَمَّ تَوَالَهُ﴾ (شکوهش بزرگ است و روزی‌اش فراگیر)

ادیوم زمین سفره عام اوست
کرمش نامتناهی نعمش بی‌پایان
دریای لطف اوست و گرنه سحاب کیست
کس ز فیض بحر جودش در جهان محروم نیست
بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست (ادیوم، سفره)
هیچ خواهنده از این در نرود بی مقصود
تا بر زمین مشرق و مغرب کند سخا
پشت ماهی پُردرم، مشمت صدف پُرگوهر است

گنه ببند و پرده پوشد به جلم (جلم: بردباری)

خداوند، با وجود آگاهی از گناهان ما، آن‌ها را فاش نمی‌کند و ما را رسوا نمی‌سازد.

همه عیبی تو ببوشی

پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد ...

حق جَلّ و علا، می‌بیند و می‌پوشد و همسایه نمی‌بیند و می‌خروشد!

این همه پرده که بر کرده ما می‌پوشی
تو بینا و ما خائف از یکدگر
هم عیب را به عالم اشرار پرده‌پوش
گر به تقصیر بگیری نگذاری دتار (دیار، کس، کسی)
که تو پرده‌پوشی و ما پرده‌در
هم غیب را ز عالم اسرار ترجمان

ز عاصی او نگیرد رزق خود باز

خداوند حتی روزی بندگان گنهکار و سرکش را قطع نمی‌کند.

وظیفه روزی، به خطای منکر نبرد.

خدای راست مسلمم بزرگواری و لطف
ولیکن خداوند بالا و پست
ای کریمی که از خزانة غیب
دوستان را کجا کنی محروم
که جرم ببند و نان برقرار می‌دارد
به عصیان، در رزق، بر کس نبست
گیر و ترسا وظیفه‌خور داری
تو که با دشمن این نظر داری



شگفتا ازین قدرت و آفرینش!

قدرت بی‌نظیر خداوند و عنایت او در تمام پدیده‌های هستی و شکوفایی آفرینش آشکار است.

عصارهٔ تاکی به قدرت او، شهید فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.

اجزای خاک مرده به تأثیر آفتاب چشمه از سنگ برون آرد و باران از میغ از چوب خشک، میوه و در نی، شکر نهاد گوهر ز سنگ خاره کند، لؤلؤ از صدف مسمار کوهسار به نطع زمین بدوخت

بستان میوه و چمن و لاله‌زار کرد انگبین از مگس نحل و ذر از دریا بار وز قطره دانهای دَرَز شاهوار کرد فرزند آدم از گِل و برگ گل از گیا گیاه (میسمار، میغ) تا فرش خاک، بر سر آب استوار کرد

همه از بهر تو فرمان‌بردار

همهٔ مخلوقات هستی، در خدمت انسان هستند و برای روزی‌رسانی به انسان آفریده شده‌اند؛ پس آدمی نباید عمر به غفلت و ناسپاسی بگذراند.

ایر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند همه از بهر تو سرگشته و فرمان‌بردار

خسور و ماه و پروین برای تو آند سپهر از برای تو فـرَاش‌وار «اگر باد و برف است و باران و میغ همه کارداران فرمان‌برند»

تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری شرط انصاف نباشد که تو فرمان‌بری قنادیل سقف سرای تو آند (قنادیل، میع قنادیل، پراغدان) همی‌گسترانند بسطاط بهار و گـر رعـد، چوگان زـند برق، تیغ که تخم تو در خاک می‌پرورند»

چون تو با مایی نباشد هیچ غم

با وجود حمایت و عنایت و همراهی محبوب (خدا، پیامبر، اولیای دین) دیگر، هیچ باک و پروایی از رنج و اندوه و سختی نیست.

چه غم دیوار اَمّت را که دارد چون تو پشتیبان؟ چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟

مهر او بلانشینان را کشتی نوح است. هزار دشمنم ار می‌کنند قصد هلاک هر که در سایهٔ عنایت اوست ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی برگند هزار بادیه سهل است با وجود تو رفتن به دور حفظ او بتوان گذر کرد

گرم تو دوستی از دشمنان ندارم باک گنهش طاعت است و دشمن، دوست چون تو را نوح است کشتیبان، ز طوفان غم مخور اگر خلاف کنم سعدیا به سوی تو باشم به بال کاغذین از آتش آسان (دورهٔ دوران، ایلم)

گنّه بنده کرده است و او شرمسار

کرم و لطف و رحمت خداوند دربارهٔ بندگان گناهکار به حدّی است که اگر بندهٔ خاطی استغفار کند و بر توبه و استغفار خود مداومت ورزد، این خداوند کریم است که از التماس و استغفار بنده‌اش شرمسار می‌گردد و خواستهٔ بنده را اجابت می‌کند.

هرگه که یکی از بندگان گنهکار پربشان روزگار، دست انابت به امید اجابت به درگاه حق جَلّ و عَلا

بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکند. بازش بخواند؛ باز اعراض فرماید. بار دیگرش به تضرّع و زاری بخواند، حق – سُبْحانَهُ و تعالی – فرماید: ﴿يَا مَلَأْتُكَ قَدْ اسْتَحْيَيْتُ مِنْ عَبْدِي وَ لَيْسَ لَهُ غَيْرِي فَقَدْ غَمَرْتُ لَهُ﴾ دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم.

کرم بین و لطف خداوندگار گنه بنده کرده‌ست و او شرمسار الهی، زهی خداوند پاک که بنده گناه کند و تو را شرم، کرم بود.

عجب داری از لطف پروردگار که باشد گنه‌کاری اتیدوار؟ فروم‌اندگان را به رحمت قریب تضرع‌کنان را به دعوت مجیب (مُییب؛ اِوابت‌کننده، پاسگو) شاید که در حساب نیاید گناه ما چرا اندیشم از گرد گنه با رحمت یزدان به دریا سیل چون پیوسته شد، یکرنگ می‌گردد

آن را که خیر شد، خیری باز نیامد

عاشق و عارف حقیقی، پس از وصول به حق و رؤیت جلوه و جمال او و درک و شناخت حق و حقیقت، دچار حیرت می‌شود و سکوت می‌کند. (محو و فانی شدن عاشق در ذات محبوب)

عاشقان، کشتگان معشوق‌اند برنیاید ز کشتگان آواز گفت: «به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پُر کنم هدیهٔ اصحاب را، چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت!»

ای مرغِ سحر! عشق ز پروانه بیاموز این مدعیان در طلبش بی‌خبراند هیچ نقّاش نمی‌بیند که نقشی برکشد پادشاهی به درویشی گفت که مرا در آن لحظه که تو را به درگاه حق، تجلّی و قُرب باشد، یاد کن. گفت که: چون من در آن حضرت رسم و تاب آفتاب آن جمال بر من زند، مرا از خود یاد نیاید؛ از تو چون یاد کنم؟!

تا خبر دارم از او بی‌خبر از خویشتم با وجودش ز من آواز نیاید که منم اگر سالکی محرم راز گشت پرسى ز من که دارد ز آن بی‌نشان، نشانی خموشی حجت ناطق بود جان‌های واصل را در این ورطه کشتی فروشد هزار که پیدا نشد تخته‌های بر کنار

معنی بیت هزاران کشتی (سالک) در این گرداب و مهلکه (دریای عمیق معرفت) فرورفت و غرق شد، به گونه‌ای که حتی تخته‌ای از آن کشتی‌های غرق‌شده به ساحل نرسید.

به پندار بیهوده از ره مرو

گمان و پندار نابه‌جا و قیاس و قضاوت‌های ساده‌لوحانه، آدمی را گمراه، ناکام و بی‌بهره می‌سازد.

گویند که بطّی در آب، روشنایی ستاره می‌دید. پنداشت که ماهی است؛ قصدی می‌کرد تا بگیرد و هیچ نمی‌یافت. چون بارها بیازمود و حاصلی ندید، فرو گذاشت، دیگر روز هرگاه که ماهی بدیدی، گمان بردی که همان روشنایی است؛ قصدی نیبوستی و ثمرت این تجریت، آن بود که همه روز گرسنه بماند.

کسی کاو در غلط مانده است از آن است گمانت چون حجابی پیش آمد از آن اندر دلت صد نیش آمد هر جا اثر وهم و گمان رفت، یقین ماند از نقش تو دارد خلل، آیینۀ تحقیق



پرش های چهارگزینه ای

شکر نعمت

۱۱- مفهوم عبارت «مَتَّ خدای را، عَزَّوَجَلَّ، که طاعتش موجب قربت است» به مفهوم کدام بیت نزدیک تر است؟

- ۱) بی طاعت دین، بهشت رحمان مطلب
- ۲) می کنند آنان که حق را بهر دنیا بندگی
- ۳) چند روزی بندگی کن بنده وار
- ۴) تو از طاعت بری گوی از زمانه

۱۲- مفهوم دو بیت زیر با مفهوم کدام بیت یکسان است؟

- «بنده همان به که ز تقصیر خویش
ورنه، سزاور خدانودی اش
- ۱) بخشش عام است و می بخشی سزای هر کسی
 - ۲) عالمی بر عیب و تقصیر تو یارب دست گیر
 - ۳) از این نوع طاعت نیاید به کار
 - ۴) همه بندگانیم و ایزد یکی ست
- ۱۳- مفهوم بیت زیر از کدام بیت، دریافت می شود؟

- عذر به درگاه خدای آورد
کس نتواند که به جای آورد»
- گر به بخشایش سزاوارم، خداوندا! ببخش
واقفی بر غیب و اسرارم خداوندا! ببخش
برو عذر تقصیر طاعت بیار
پرستش جز او را سزاور نیست
- «بنده همان به که ز تقصیر خویش
تو پیش از عقوبت در عفو کوب
- ۱) تو پیش از عقوبت در عفو کوب
 - ۲) تو یک نوبت ای ابر رحمت بیار
 - ۳) خدایا به غفلت شکستیم عهد
 - ۴) کرم بین و لطف خداوندگار

۱۴- مفهوم عبارت «پردۀ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد» در کدام بیت دیده می شود؟

- ۱) نیامد بر این در کسی عذرخواه
- ۲) از خدا شرمی نداری در گنهکاری، ولی
- ۳) عجب داری از لطف پروردگار
- ۴) نریزد خدا آبروی کسی

۱۵- کدام بیت با متن زیر ارتباط معنایی ندارد؟

«باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده. پردۀ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفۀ روزی به خطای منکر نبرد.»

- ۱) باران که در لطافت طبعش خلاف نیست
 - ۲) ولیکن خداوند بالا و پست
 - ۳) ادبیم زمین سفرۀ عام اوست
 - ۴) دو گونش یکی قطره از بحر علم
- در باغ لاله روید و در شوره زار خس
به عصیان در رزق بر کس نبست
بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست
گنه بیند و پرده پوشد به حلم

(زبان ۱۴۰۰)

(زبان ۸۴)

۱۶- عبارت «وظیفهٔ روزی به خطای منکر نبرد» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟

- ۱) هر که رو در فسق و در عصیان کند
 - ۲) رزق ما بی‌دست‌وپایان بی‌طلب خواهد رساند
 - ۳) بر فضل توست تکیهٔ امید او، از آنک
 - ۴) کریم را ز طرف نیست چشم استحقاق
- ۱۷- مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر، متفاوت است؟

- ۱) تا گوهر وجود تو را نقش بسته است
 - ۲) ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
 - ۳) یک عمر غوطه در جگرِ خاک خورده‌ام
 - ۴) صد پیرهن عرق گلِ خورشید کرده است
- ۱۸- بیت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- «ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
- ۱) سر به جیب فکر بر تا از فلک بیرون شوی
 - ۲) آسیای فلک از بهر تو سرگردان است
 - ۳) پیچیدن سرپنجهٔ من کار فلک نیست
 - ۴) آسمان است تو را ضامن روزی و ز حرص
- ۱۹- بیت «چه غم دیوار اقامت را که دارد چون تو پشتیبان؟! چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟!» با کدام بیت ارتباط معنایی ندارد؟

- ۱) هم گلستان خیالم ز تو پرنقش‌ونگار
 - ۲) در ره عشق که از سیل بلا نیست گذار
 - ۳) در بیابان طلب گرچه ز هر سو خطریست
 - ۴) مدعی خواست که از بیخ گند ریشهٔ ما
- ۲۰- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) تا رفته‌ایم در پس زانوی غم «کلیم»
 - ۲) چو در پناه تو باشم ز حادثات چه غم؟
 - ۳) هزار دشمنم ار می‌کنند قصد هلاک
 - ۴) حمایت تو کسی را که در پناه آرد
- ۲۱- بیت «چه غم دیوار اقامت را که دارد چون تو پشتیبان؟! چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟!» با کدام گروه ابیات، مفهومی مشترک دارد؟

- الف) گر هزاران دام باشد هر قدم
ب) دست در دامن مردان زن و اندیشه مکن
پ) از آب دیده صدها طوفان نوح دیدم
ت) هر دلی کز قیل شادی او شاد بود
ث) هر که در سایهٔ عنایت اوست
ج) نه غم و اندیشهٔ سود و زیان
چ) چون عنایاتت بود با ما مقیم
- ۱) الف - ب - پ ۲) ت - پ - ب
۳) ج - ح - چ ۴) ث - الف - چ

(تجربی ۹۴)

(آسانی ۹۹)

(زبان ۸۷)

(رایجی ۸۷)



۲۲- در عبارت «هرگه که یکی از بندگان گنهکار پریشان‌روزگار، دست انابت به امید اجابت به درگاه حق - جَلّ و علا- بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکنند، باز بخواند: باز دیگرش به تضرّع و زاری بخواند. حق، سُبْحَانَهُ و تعالی فرماید: یا مَلَأْتُكَ قَدْ اسْتَحْيَيْتَ مِنْ عَبْدِي وَ لَيْسَ لَهُ غَيْرِي فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ» به کدام عامل در پذیرش درخواستِ بندهٔ خطاکار، تکیه شده‌است؟ (۸۷)

- (۱) مداومت بر انابت و استغفار
 (۲) قصد انابت به امید اجابت
 (۳) همراهی و دلسوزی ملائک با بندهٔ خاطی
 (۴) اظهار تنهایی و بی‌یاوری بندهٔ خطاکار

۲۳- مفهوم جملات پایانی عبارت «هرگه که یکی از بندگان گنهکار پریشان‌روزگار، دست انابت به امید اجابت به درگاه حق - جَلّ و علا- بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکنند، باز بخواند: باز اعراض فرماید. بار دیگرش به تضرّع و زاری بخواند. حق، سُبْحَانَهُ و تعالی فرماید: یا مَلَأْتُكَ قَدْ اسْتَحْيَيْتَ مِنْ عَبْدِي وَ لَيْسَ لَهُ غَيْرِي فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ» به مفهوم کدام گزینه نزدیک‌تر است؟

- (۱) دست تضرّع چه سود بندهٔ محتاج را
 (۲) گرچه برانی از برم بازنگردم از درت
 (۳) فروماندگان را به رحمت قریب
 (۴) نشد کوتاه ز دامان اجابت دست اتمدم
 ۲۴- مفهوم «یا مَلَأْتُكَ قَدْ اسْتَحْيَيْتَ مِنْ عَبْدِي وَ لَيْسَ لَهُ غَيْرِي فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ» در کدام بیت آمده‌است؟ (۸۸)

- (۱) تواناست آخر خداوند روز
 (۲) کرم بین و لطف خداوندگار
 (۳) بنده همان به که ز تقصیر خویش
 (۴) خداوندگاری که عبودی خرید
 ۲۵- کدام گزینه مفهوم «ما عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ» را در خود دارد؟

- (۱) دل هست سزای خدمت عشقت
 (۲) اگر با بنده عدل و داد ورزد
 (۳) ای، کس به سزا وصف تو ناکرده بیانی
 (۴) گر به روز و شب بری حق را سجود
 هرچند که من نایم سزای تو
 عبادت‌های صدساله چه ارزد؟
 حیران شده از ذات لطیف تو جهانی
 کی بود لایق به درگاه و دود (= خداوند مهربان)؟

۲۶- مفهوم عبارت «واصفان حلیة جمالش به تحیر منسوب که؛ ما عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ» با کدام بیت تناسب دارد؟ (۸۹)

- (۱) مردی غریب‌گشتهٔ بحر تحیرم
 (۲) تو در چاه تحیر مانده وز بهر خلاص تو
 (۳) ز ماه خانگی آن را که دیده روشن نیست
 (۴) وصل خورشید به شب‌پرهٔ اعمی (=بایننا) نرسد
 ۲۷- همهٔ ابیات با «ما عرفناك حق معرفتك» قرابت مفهومی دارند؛ به‌جز (مجموعی خارج ۹۰)

- (۱) تو را این وصف‌ها چون نیست خالی‌زن تن از گفتن
 (۲) خیره گردد دیدهٔ دل در شعاع مهر ذات
 (۳) اعرف دوران حدیث ما عرفناك چو گفت
 (۴) در مجالی که کشد موکب اوصاف تو صف
 بیان دیگر مکن ای فیض جز اوصاف حالی را
 چون نشان باید کسی از نور بی‌نام و نشان
 خود نیاید بحر اوصاف تو در ظرف بیان
 وهم را وسعت آن کو که کند میدانی

۲۸- مفهوم «گر کسی وصف او ز من پرسد/ بی دل از بی نشان چه گوید باز؟» با همه ابیات، به استثنای بیبت تناسب دارد.

۱) گردش از وصف تو عاجز کلک «صائب»، دور نیست
 ۲) من چه گویم یک رگم هشیار نیست
 ۳) شود از قرب منزل شوق رهرو بیش، حیرانم
 ۴) قاصرم در صفتت گرچه به مدح تو مرا
 ۲۹- از کدام بیت، مفهوم بیبت زیر درک می شود؟

«ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز
 ۱) تا نهادم بر سر کویش قدم رفتم ز دست
 ۲) هست در شرع محبت رسم و آیین دگر
 ۳) دردسر تا نکشی صائب از این بی خبران
 ۴) در عشق کسی قدم نهد کنش جان نیست
 ۳۰- مفهوم کدام بیت با بیت «آن که شد هم بی خبر هم بی اثر/ از میان جمله او دارد خبر» متفاوت است؟ (بنا ۸۹)

۱) «سعدی» از بارگاه قربت دوست
 ۲) دانسی که خبر ز عشق دارد؟
 ۳) تا خبر دارم از او بی خبر از خویشتنم
 ۴) ای عشق شوخ بوالعجب، آورده جان را در طرب
 ۳۱- ابیات زیر در چه قالبی سروده شده است و نماد عاشق واقعی کدام است و ویژگی بارز عاشق چیست؟

«ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز
 این مدعیان در طلبش بی خبرانند
 ۱) قطعه - پروانه - صبر و سکوت
 ۳) رباعی - پروانه - سوز و گداز عاشقانه
 ۲) دوبیتی - مرغ سحر - ذکر و سجود
 ۴) دوبیتی - مرغ سحر - سُکر و مستی

۳۲- مفهوم ابیات زیر با همه ابیات تناسب دارد، به جز

«ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز
 این مدعیان در طلبش بی خبرانند
 ۱) بنگر ای شمع که پروانه دگر باز آمد
 ۲) هر چیز که می بینی در بی خبری بینی
 ۳) واصل ز حرف چون و چرا بسته است لب
 ۴) هر که را بی خبر افتاد ز پیمانۀ عشق
 ۳۳- بیت «ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز/ کان سوخته را جان شد و آواز نیامد» با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟

۱) فریاد من از سوختگی هاست چو آتش
 ۲) آتش رخسار گل خرمن بلبل بسوخت
 ۳) مرغ جان را تا نسوزد ز آتش دل بال و پر
 ۴) خموش «سایه» که فریاد بلبل از خامی ست
 چون باده ز خامی نبود جوش و خروشم
 چهره خندان شمع آفت پروانه شد
 پیش روی شمع چون پروانه نتوانم نشست
 چو شمع سوخته آن به که بی سخن باشی



۳۴- بیت «این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند/ کان را که خبر شد، خبری بازنیامد» با مفهوم کدام بیت متناسب است؟

زین جهانش چه خبر؟ کاو به جهانی دگر است
عشق آمدنی بود نه آموختنی
آن را که می‌دهند ز اسرار آگهی
که در بی‌خودی راز نتوان نهفت
(جَبَلِ ۹۷)

۱) عاشق سوخته‌دل زنده به جانی دگر است
۲) ای بی‌خبر از سوخته و سوختنی
۳) مهرش به لب زنده چو خال دهان یار
۴) به مستی توان دُر اسرار شفت
۳۵- بیت زیر با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟

کان را که خبر شد، خبری بازنیامد»
کافر عشق بُوَد گر نشود باده‌پرست
خبری از بر آن دلبر عیّار بیار
یعنی که مجو در طلبش راه سلامت
اولین پروانه‌اش مُهر لبِ اظهار بود

«این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند
۱) عاشقی را که چنین باده شگیر دهند
۲) خامی و ساده‌دلی شیوه جانبازان نیست
۳) در کوی وفا چاره به جز دادن جان نیست
۴) عشق در هر دل که شمع بی‌قراری بر فروخت

۳۶- کدام گزینه مفهومی مشترک با بیت «هیچ نقّاش نمی‌بیند که نقشی برکشد/ وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای» دارد؟

راستی در نقش رویت داد خوبی داده است
چون صورت دیوار بماند ز تو خاموش
بر ورق جان من انگیخته است
کلک نقاش دل خلق به این صورت سوخت
(سَنَائِی حَاج ۱۴۰۰)

۱) حیرت اندر خامه نقّاش بی‌چون است کاو
۲) نقّاش اگر این روی ببیند متحیر
۳) نقّش تو را خامه نقّاش صنع
۴) صورت شمع رخس بر در و دیوار کشید
۳۷- مفهوم بیت زیر با کدام بیت متناسب نیست؟

وان که دید، از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای»
اندر طلب تو کاروان‌ها
کوته ز ثنای تو بیان‌ها
دیدیم یکان‌یکان نشان‌ها
نبینی مرنجان دو بیننده را
(رَیاضِ ۹۹)

«هیچ نقّاش نمی‌بیند که نقشی بر کند
۱) سرگشته به بَر و بحر گردند
۲) ای لال ز وصف تو زبان‌ها
۳) در عالم عشق سیر کردیم
۴) به بینندگان آفریننده را
۳۸- مفهوم همه ابیات یکسان است، به جز

دریاب که حاجت به بیان نیست عیان را
رو بازگشادی و در نطق بیستی
و ان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای
با میان آمد و بی‌عقل و زبان گردیدم
(رَبانِ ۹۹)

۱) بر چهره و صفش چه محل زبور تقریر
۲) در روی تو گفتم سخنی چند بگویم
۳) هیچ نقّاش نمی‌بیند که نقشی برکشد
۴) صورت یوسف نادیده صفت می‌کردند
۳۹- مفهوم همه ابیات یکسان است، به جز

بست چندین صورت و صورت نیست این آرزو
تصویر ناکشیده خجالت کشیده است
زد بر زمین قلم که چه‌ها می‌کشیم ما
در حیرتم که ناز تو را چون کشیده‌اند

۱) کرد تصویر تو را صورتگر چین آرزو
۲) صورتگری که حسن ادای تو دیده است
۳) نقّاش چین چو صورتش آورد در نظر
۴) صورتگران که آن قد موزون کشیده‌اند

۸۸۲- مفهوم «در مقابله جفا» وفا کرد و در مقابله زشتی، آشتی کرد و در مقابله لئیمی، کریمی کرد.» با مفهوم کدام گروه از ابیات متناسب است؟

- الف) نکویی با بدان کم تر کن اما
 ب) کسی با بدان نیکویی چون کند؟
 پ) بدان را نوازش کن ای نیکمرد
 ت) عجب ناید از سیرت بخردان
 ث) مرّوت نباشد بدی با کسی
 ج) مکافات بد گر کنی نیگوی
 ۱) پ - ث - ج ۲) پ - ت - ج ۳) الف - ب - ث ۴) ت - ب - الف

۸۸۳- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) چون آسمان، کمال بزرگان، فروتنی است
 ۲) نخواهی کز بزرگان جور بینی
 ۳) سهل باشد گر کنند افتادگان افتادگی
 ۴) گله‌گوشه بر آسمان برین

۸۸۴- بیت «هر دونی خوردند از یک آبخور/ این یکی خالی و آن پر از شکر» با کدام بیت تقابل مفهومی دارد؟

- ۱) نوش و نیش و خار و گل «صائب» هم آغوش هم‌اند
 ۲) به چشم من گل و خار چمن یکی باشد
 ۳) هر جان نه اهل ذوق و نه هر خاک، زر شود
 ۴) هر نی که بدیدی به میانش کمر عشق

۸۸۵- کدام گزینه مفهومی متفاوت با سایر گزینه‌ها دارد؟

- ۱) هر ورق از هر درخت، آیات حق را دفتریست
 ۲) کدام برگ درخت است اگر نظر داری
 ۳) هر یکی از شاخه‌ها را بر درختان جابه‌جا
 ۴) هرچند گشته‌اند سراپای صنوع را

۸۸۶- مفهوم کدام بیت، در مقابل آن «غلط» آمده است؟

- ۱) اعتقادی بنما و بگذر بهر خدا تا در این خرّقه ندانی که چه نادریشم (غفلت و بی‌خبری)
 ۲) آبش چو نخل بادیه از ابر می‌رسد هر کس که التفات به هر جو نمی‌کند (مناعت طبع)
 ۳) چو گفتمش که دلم را نگاه دار چه گفت ز دست بنده چه خیزد؟ خدا نگه دارد (ابراز عجز)
 ۴) ای داور زمانه ملوک زمانه را جز بر ارادت تو مسیر و مدار نیست (عدم اختیار)

۸۸۷- «آن را که خبر شد خبری باز نیامد» با همهٔ ابیات به‌جز بیت قرابت مفهومی دارد. (مربی ۸۵)

- ۱) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست
 ۲) سخن مآند از تو همی یادگار
 ۳) کسی را در این بزم ساغر دهند
 ۴) از تن دوست در سرای مجاز
 ۱) مر زبان را مشتتری جز گوش نیست
 ۲) سخن را چنین خوارمایه مدار
 ۳) که داروی بی‌هوشی‌اش در دهند
 ۴) جان برون آید و نیاید راز



۸۸۸- کدام گزینه با «هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش» تناسب ندارد؟

- (۱) خاک گوید خاکِ تن را: بازگرد
 (۲) پس بدان این اصل را ای اصل جو
 (۳) دانشی باید که اصلش زان سر است
 (۴) اصل ایشان بود آتش ز ابتدا
- ۸۸۹- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- (۱) درنیابد حال پخته هیچ خام
 (۲) طبیب عشق مسیحا دم است و مشفق، لیک
 (۳) پیش زاهد از رندی دم مزن که نتوان گفت
 (۴) راز درون پرده ز رندان مست پرس

۸۹۰- با توجه به مفهوم بیت زیر، مفهوم کدام گزینه با سایر گزینه‌ها تفاوت دارد؟

- «چو بخشایش پاک یزدان بؤد دم آتش و آب یکسان بود»
- (۱) با خدای آسمان باش از ره بیم و امید
 (۲) عنایت تو چو با جان «سعدی» است چه باک؟
 (۳) تا تکیه کرده‌ایم «فروغی» به لطف دوست
 (۴) چون دوستدار ما تویی از دشمنان چه باک؟
- درد در تو نبیند که را دوا بکند؟
 با طبیب نامحرم حال درد پنهانی
 کاین حال نیست زاهد عالی‌مقام را

(مخرج از کتور ۹۱)

شایسته آن است که چون شایسته عبادت است، عبادت شود نه برای رسیدن به حاجات دنیایی).

۴ بندگان خدا مایه توفیق و سعادت است.

۱۲- گزینه «۳» مفهوم ابیات سؤال ناتوانی

انسان از شکر و بندگی خدا و طلب بخشایش به سبب کوتاهی در عبادت است. در ۲ نیز مفهوم طلب بخشایش به سبب کوتاهی در عبادت دیده می شود.

۱ مفاهیم سایرگزینه ها / طلب بخشش از خداوند و عام دانستن بخشش خداوند

۲ یاری خواستن از خداوند غیب دان

۴ تنها خدا را شایسته پرستش دانستن

۱۳- گزینه «۱» مفهوم مشترک ۱ و بیت

سؤال طلب بخشایش به سبب کوتاهی در عبادت و اعمال است.

۱ مفاهیم سایرگزینه ها / پاک شدن تیرگی ها و گناهان

در باران رحمت خداوند / طلب رحمت از خداوند

۲ ناتوانی در برابر تقدیر / اعتراف به عهدشکنی

و غفلت

۴ شرم داشتن خداوند از زاری بندگان / کرم

بی نهایت خداوند

۱۴- گزینه «۴» در عبارت سؤال تأکید

بر ستائر العیوب بودن خداوند است و این که خداوند

آبروی بندگان گنهکار را نمی ریزد که این مفهوم در

۴ هم دیده می شود: خداوند آبروی گناهکاری را

که اظهار ندامت کند و اشک بریزد، نمی ریزد.

۱ مفاهیم سایرگزینه ها / غفاری بودن خداوند (خدا

توبه عذرخواهان را می پذیرد): هر کسی با

عذرخواهی و اظهار ندامت به درگاه الهی روی

آورد، همین اظهار ندامت و پشیمانی مانند سیلی،

گناه او را می شورد و می برد.

۲ شرم نکردن گناهکاران از خداوند

معنی مصراع دوم: تو پیش دیگران (برای حفظ

آبرویت هم که شده) از گناه کردن دست برمی داری.

۲ امید داشتن گناهکاران به لطف خدا

۱۱- گزینه «۳» مفهوم اصلی عبارت سؤال

این است که طاعت و بندگی سبب نزدیکی به

خداست. در ۲ نیز بندگی سبب باریابی به درگاه

حق دانسته شده است.

۱ مفاهیم سایرگزینه ها / بدون بندگی بهشت

حاصل نمی شود.

۲ نکوهش بندگی خدا برای حاجات دنیوی (خدا



۱۵- گزینه «۱» در عبارت سؤال مفاهیم

فراگیر بودن رحمت و لطف خداوند، عیب پوشی خدا و قطع نکردن روزی به دلیل گناه وجود دارد. ۲، ۳ و ۴ هر کدام به نوعی با عبارت سؤال تناسب دارند. در ۲ مفهوم قطع نکردن روزی به دلیل گناه دیده می‌شود، در ۳ فراگیر بودن لطف و روزی خدا مطرح شده است و در ۴ سخن از عیب پوشی خداوند است. اما مفهوم ۱ اصالت ذات و بی تأثیر بودن تربیت است و ارتباطی با عبارت سؤال ندارد.

۱۶- گزینه «۴» مفهوم عبارت سؤال

قطع نکردن روزی به دلیل گناه است که در ۴ هم این مفهوم دیده می‌شود.

مفاهیم سایر گزینه‌ها ۱ کم شدن روزی به دلیل گناه (مفهوم مقابل عبارت سؤال)

۲ فراهم بودن روزی همه موجودات

۳ بخشندگی و عیب پوشی خداوند

۱۷- گزینه «۳» در ۱، ۲ و ۴ این

مفهوم که همه عناصر و پدیده‌های هستی در خدمت انسان هستند و انسان اشرف مخلوقات است، مشترک است ولی در ۳ سخن از حسرت و پشیمانی و رنج بردن و آزار دیدن شخص است.

۱۸- گزینه «۲» در بیت صورت سؤال

«سعدی» به مقام والای انسان پرداخته و تمامی مخلوقات را در خدمت او می‌داند تا به او رزق و روزی برسانند. در ۲ نیز شاعر می‌گوید: نیاز نیست انسان نگران رزق و روزی خود باشد زیرا آسمان برای روزی رساندن به او است که می‌چرخد. (چه = چرا)

مفاهیم سایر گزینه‌ها ۱ توصیه به گوشه نشینی و

تفکر و تواضع: اگر به تفکر و خودشناسی بپردازیم از افلاک نیز والا مقام تر می‌شویم و اگر متواضع باشیم و خود را ناچیز بینگاری و با داشته‌های اندک خود بسازی، همانند ماه عید فطر (که ابتدا لاغر و باریک

است و سپس بزرگ و کامل می‌شود) روز به روز بزرگ تر و کامل تر می‌شوی.

• «بر کمی زن» یعنی خودت را ناچیز بینگار، متواضع باش و اظهار عجز کن.

۲ خودستایی و تمجید از قدرت خود: حتی فلک هم قدرت پیچاندن سرینجه من را ندارد (نمی‌تواند بر من غالب شود) و حریف در برابر نهیب و هیبت من حیران می‌شود و دستش از کار می‌افتد.

۴ روزی انسان می‌رسد / روزگار ضامن روزی است / نباید برای رزق و روزی به این در و آن در زد.

۱۹- گزینه «۱» در همه گزینه‌ها همانند

بیت سؤال، مفهوم اصلی از بین رفتن پریشانی و نگرانی با وجود مخاطب (خداوند یا پیامبر) و توکل به او است، غیر از ۱ که مفهوم آن سرشار بودن عاشق از یاد و خیال معشوق است.

۲۰- گزینه «۱» در همه گزینه‌ها سخن از

از بین رفتن پریشانی و نگرانی با وجود یار و توکل به او است، غیر از ۱ که مفهوم آن این است که گوشه گیری و عزلت گزینی بهترین پناه است.

معنی و توضیح ۱: ای کلیم (نام شاعر)، از وقتی زانوی غم بغل کرده‌ایم و عزلت گزیده‌ایم گویی که در پناه سد اسکندر قرار گرفته‌ایم.

• سد اسکندر: سدی بوده که بنا بر اخبار، اسکندر آن را در برابر قوم یاجوج و ماجوج بنا کرد تا از فساد و پیشروی آنان جلوگیری کند.

۲۱- گزینه «۴» مفهوم بیت سؤال از بین

رفتن پریشانی و نگرانی با وجود محبوب (خداوند یا پیامبر) است.

مفهوم ابیات الف) از بین رفتن پریشانی و نگرانی با وجود تو (خداوند)

ب) پناه بردن به اولیا و بزرگان سبب امنیت و عافیت است.

پ) فراموش نکردن بار با همه سختی‌ها؛ آب دیدهٔ من (اشک چشم من) بارها همچون طوفان نوح جاری شد اما هرگز نتوانست نقش و یاد تو را از دل من پاک کند و ببرد.

ت) شادی عشق، غم‌ها و سختی‌ها را از بین می‌برد (شادی و نشاطی که از جانب محبوب و ممدوح باشد، بادوام و غم‌زداست).

ث) پناه‌بردن به خداوند سبب امنیت است.

ج) بی‌توجهی و دلبسته‌نبودن به دنیا (وارستگی و بی‌تعلقی عارف)

چ) توجه و عنایت خدا سبب امنیت است.

(مقیم: همراه / لثیم: پست)

موارد (الف)، (ب)، (ث) و (ج) (حتی «ت» نیز) با بیت سؤال مرتبط هستند؛ پس پاسخ درست ۴ است؛ زیرا گزینه‌ای را باید انتخاب کنیم که هر سه بیت آن با صورت سؤال تناسب داشته باشند.

۲۲- گزینه «۱» با توجه به عبارت سؤال، مداومت بنده بر توبه و استغفار، سبب پذیرش درخواست توبه بیان شده است.

۲۳- گزینه «۳» از عبارت سؤال مفهیم پایداری بنده در تضرع و زاری به درگاه خدا و پذیرش توبهٔ بندگان به دلیل بی‌پناه بودنشان برداشت می‌شود، صورت سؤال از ما خواسته است بیت متناسب با جملات پایانی را پیدا کنیم، یعنی باید به دنبال مفهوم پذیرش توبهٔ بندگان باشیم. در ۳ سخن از همین مفهوم است.

مفاهیم ساینده‌ها ۱ بی‌نتیجه بودن تضرع انسان بخیل

۲ روی برگرداندن از درگاه پرعنایت الهی

۳ ناامید نشدن از اجابت پروردگار

۲۴- گزینه «۲» مفهوم عبارت سؤال شرم خدا از توبهٔ بندگان و پذیرش توبهٔ بندگان به دلیل بی‌پناه‌بودن آنان است. در این گزینه دقیقاً همین مفهوم وجود دارد.

مفاهیم ساینده‌ها ۱ روزی رسانی و توانا بودن خداوند

۲ عذرخواستن به خاطر ارتکاب معصیت و کوتاهی در عبادت

۳ توجه به بندگان از سوی خداوند: اربابی که بنده‌ای می‌خرد از او نگهداری و محافظت می‌کند (= بدارد)، چه برسد به خداوندی که بنده را آفریده است. (فکیف: پس چگونه است؟)

۲۵- گزینه «۴» عبارت صورت سؤال و ۴، مشترکاً به این موضوع اشاره دارند که عبادات ما شایستهٔ خداوند نیست.

مفاهیم ساینده‌ها ۱ کوچک بودن مقام عاشق در برابر معشوق؛ عاشق با این که خود را در برابر معشوق ناچیز می‌پندارد، اما دل خود را شایستهٔ عشق‌ورزی به او می‌داند.

۲ اگر خداوند با عدل خود اعمال ما را بسنجد، عبادات و اعمال ما ارزشی ندارند! چون در حقیقت گناهان ما بسیار است و عباداتمان هم بی‌نقص نبوده‌است.

۳ خداوند به وصف نمی‌آید.

۲۶- گزینه «۴» مفهوم مشترک عبارت سؤال و ۴ ناتوانی انسان از شناخت خداوند (وصف‌ناپذیری خداوند) است.

مفاهیم ساینده‌ها ۱ گرفتار حیرت بودن شاعر؛ شاعر به وصف احوال خویش می‌پردازد؛ مردی غرق در تحیر و رندی غریب و تنها (بدون اشاره کردن به علت حیرت‌زدگی)

۲ خیال یار، عاشق را از تحیر نجات می‌دهد.

۳ قانع بودن به نور مهتاب هنگام محروم بودن از جمال یار

• در ۱ یا ۲ وجود واژه «تحیر» نباید شما را به اشتباه بیندازد. درست است که در ۱ نیز سخن از تحیر است، ولی این برای هم‌مفهوم بودن



کافی نیست؛ در عبارت سؤال، تأکید سعدی بر ناشناختنی بودن و وصف ناپذیری خداوند است، نه بر تحبیر و سرگردانی.

۲۷- **گزینۀ «۱»** شاعر در ۱ سفارش می کند که آدمی باید فقط به اوصافی بپردازد که حال خودش است و به آن‌ها علم کافی دارد. اما مفهوم سایر گزینه‌ها همانند حدیثی که در صورت سؤال آمده **نا توانی انسان از وصف و شناخت خداوند است.**

معنی ۱: وقتی این ویژگی‌ها را نداری، از بیان آن‌ها، شانه خالی کن و سکوت کن [و] ای فیض کاشانی، جز اوصاف و ویژگی‌های کنونی‌ات را بیان مکن.

توجه در ۲ منظور از «اعرف دوران» پیامبر اسلام است که جمله «ما عرفناك حق معرفتك» به ایشان منسوب است.

معنی بیت: وقتی پیامبر که عارف‌ترین فرد روزگار است می گوید: «تو را نشناختیم»؛ [باید دانست] که دریای اوصاف و ویژگی‌های تو در ظرف بیان نمی‌گنجد (قابل توصیف نیستی).

معنی ۳: در عرصه و میدانی که کاروان اوصاف تو صف کشیده است، وهم هم توان و امکان حرکت و جولان دادن را ندارد (وهم آدمیان امکان و توان درک و شناخت اوصاف خدا را ندارد).

۲۸- **گزینۀ «۳»** در ۳ مفهوم اصلی افزون شدن دل بستگی **پیران به دنیا در پیری** است، در حالی که سایر گزینه‌ها همانند بیت سؤال بر **وصف ناپذیری خداوند (یا معشوق)** تأکید دارند.

۲۹- **گزینۀ «۲»** در ۲ همانند بیت سؤال بر مفهوم سکوت و رازداری تأکید شده است و این که عاشق واقعی **جان می‌دهد ولی دم نمی‌زند.**

مفاهیم سایر گزینه‌ها ۱ از خود بی خود شدن عاشق با قدم نهادن در کوی دوست

۳۰- **گزینۀ «۴»** **امن و آرام بودن عالم خاموشی**

۳۱- **شرط عاشقی ترک وجود مادی و فداکردن خود است.**

۳۰- **گزینۀ «۴»** در همه گزینه‌ها صحبت از **بی‌خبری عارفانه** (عاشق از خود و عالم بی‌خبر است)، است، ولی مفهوم ۳ **اشتیاق عاشق بر عشق است.** معنی ۴: ای عشق سرکش شگفت‌انگیز که جان را در شادی و طرب آورده‌ای، آری، هر شب به سوی جان من مست بی‌خبر بیا.

۳۱- **گزینۀ «۱»** قالب شعر قطعه است (در رباعی و دوبیتی، مصراع اول هم باید با مصراع‌های زوج هم قافیه باشد). در این شعر «پروانه» نماد عاشق واقعی است؛ زیرا با وجود سوختن در راه عشق «صبر و سکوت» پیشه می‌کند.

۳۲- **گزینۀ «۱»** در این گزینه سخن از **جان بازی و جان‌فشانی عاشقانه** است، اما آنچه که در سایر گزینه‌ها و ابیات صورت سؤال مشترک است **سکوت عاشقانه** است. توجه داشته باشید که مفهوم ۱ نیز در بیت اول صورت سؤال تا حدودی وجود دارد، اما طراح سؤال مفهوم هر دو بیت را خواسته و همان‌طور که گفتیم مفهوم دو بیت **سکوت عاشقانه** است.

معنی ۲ انسانی که به وصال حق و محبوب رسیده است شک و سؤالی ندارد و سکوت می‌کند، همان‌طور که وقتی راه کاروان به پایان می‌رسد صدایی از زنگ کاروان نمی‌آید.

در ۲، «پرده‌گشودن» کنایه از آشکار شدن است. ۳۳- **گزینۀ «۴»** مفهوم مشترک بیت سؤال و ۴ این است که **عاشق راستین بی‌ادعاست و فریاد و هیاهو نشانه‌ن خامی است.**

مفاهیم سایر گزینه‌ها ۱ **فریاد عاشق از سوختگی است نه از خامی.**

۲ **حُسن معشوق، مایه گرفتاری عاشق است.** ۳ **شرط قرب و وصال، سوز و گداز و فنای عاشق است.**

۳۴- گزینه «۳» مفهوم مشترک بیت

سؤال و ۲ رازبوشی عارفانه است.

مفاهیم سایرگزینه‌ها ۱ عاشق در عوالمی غیر از این

عوالم مادی زندگی می‌کند!

۲ عشق، کشش از سوی دوست می‌خواهد و با

آموختن حاصل نمی‌شود.

۴ در مستی می‌توان درباره اسرار سخن گفت. / در

مستی نمی‌توان اسرار را نهان کرد.

۳۵- گزینه «۴» در ۴ همانند عبارت سؤال

مفهوم اصلی سکوت و رازداری عارف واصل است.

مفاهیم سایرگزینه‌ها ۱ عاشقی که از می عشق

بنوشد، هرگز مستی عشق را رها نمی‌کند.

۲ تقابل عشق و خامی

۳ جان‌بازی عاشقانه (در راه عشق چاره‌ای جز

جان‌دادن نیست.)

۳۶- گزینه «۲» مفهوم مشترک بیت صورت

سؤال و ۲ حیرت نقاش از زیبایی و جمال یار است.

بررسی مفاهیم سایرگزینه‌ها ۱ حیرت در قلم

زیبا آفرین خداوند: از قلم آن نقاش بی‌چون

(= خداوند) در حیرتم که رویی به این زیبایی خلق

کرده است.

۲ عشق، در جان عاشق است: قلم صنع الهی،

نقش زیبای تو را بر جان من تصویر کرده است.

۴ توصیف زیبایی معشوق: نقاش تصویر صورت

معشوق را بر دیوار کشید و با این کار دل خلقی را

به آتش کشید!

۳۷- گزینه «۳» در ۳ سخن از دیدن

نشانه‌های عشق و سیر کردن در عالم عشق است. اما

در سایر گزینه‌ها همانند بیت صورت سؤال، مفهوم

اصلی ناشناختنی بودن خداوند است.

گزینه‌های ۱ و ۴ با مصراع اول و ۲ با مصراع

دوم بیت سؤال تناسب معنایی دارند.

۳۸- گزینه «۱» در ۱ شاعر به این نکته

پرداخته که معشوق نیاز به وصف ندارد و اصولاً

چیزی که عیان است نیازی به گفتن و بیان کردن

ندارد. اما مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها این است

که عاشق با دیدن معشوق زبانش بند می‌آید و غرق

حیرت و سکوت می‌شود.

در ۴ «صفت می‌کردند» یعنی توصیف

می‌کردند و «با میان آمد» یعنی در میان آمد و خود

را نشان داد.

۳۹- گزینه «۴» در ۴ سخن از حیرت کردن

از جمال دوست و توصیف اغراق‌آمیز زیبایی اوست.

اما مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها این است که حسن

معشوق به وصف نمی‌آید و آدمی از بیان و توصیف

معشوق ناتوان است.

معنی ۱: نقاش چینی کشیدن تصویر تو را

آرزو کرد، چندین نقاشی کشید، اما هم‌چنان این

آرزویش محقق نشد.



۸۸۲- گزینه «۲» مفهوم عبارت سؤال و بیت‌های (پ)، (ت) و (ج): نیکی کردن با بدان (بدی) را با خوبی پاسخ‌دادن

«مفهوم سارایبایات الف) خوبی کردن در حق نیکان (خیلی در حق بدان نیکویی نکن!)»

ب) تحمل بدان و نیکی کردن به ایشان، بدی آن‌ها را افزون می‌کند. (نادرست بودن نیکی کردن به بدان)

ث) نیکویی دیگران را با نیکی پاسخ‌دادن (جوانمردی نیست با کسی که به تو خوبی کرده، بدی کنی.)

۸۸۳- گزینه «۲» در ۲ شاعر معتقد است کسی که بر کوچک‌تر از خود ببخشايد، از ستم بزرگان در امان است. مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها

تواضع در عین بزرگی و قدرت است.

۸۸۴- گزینه «۲» در بیت سؤال سخن از یکسان‌ندانستن دو امر یا دو چیز مشابه است. در ۲ مفهوم اصلی بیت یکسان‌دانستن دو امر متفاوت

(متضاد) است و این دو مفهوم با هم در تقابل هستند. «مفاهیم سارگزینه‌ها ۱» در این جهان راحتی

و سختی و خیر و شر به هم آمیخته‌اند. (لذت‌ها و خوشی‌های دنیا همراه با محنت و ناخوشی است.)

۳ هر جان و دلی، لایق ذوق عشق نیست.

۴ همواره پذیرای عشق باش.

۸۸۵- گزینه «۳» ۱، ۲ و ۴ مشترکاً به این مفهوم اشاره دارند که عالم، صنع الهی است و آیات و اسرار حق را در عالم می‌توان دید (همه عالم، کتاب حق تعالی‌ست)؛ اما در ۳ سخن از این است که همه موجودات جهان؛ از جمله درختان، تسبیح خداوند را می‌گویند.

۸۸۶- گزینه «۱» بررسی گزینه‌ها ۱ معنی بیت: برای خاطر خدا! فقط گزایشی نشان بده و نزد من درنگ و کنجکاوی مکن تا پی نبری من که خرقة پوشیده‌ام چه قدر از عالم درویشی به دورم. در این بیت اصل سخن با دید اغماض و چشم‌پوشی

نگاه کردن و طلب درگذشتن از خطا است نه غفلت و بی‌خبری.

۲۴ در این بیت «التفات نکردن به آب جو» بر مناعت طبع دلالت دارد: اگر کسی مثل نخل بادیه به آب جو توجه نکند و مناعت طبع، پیشه کند، ابر بر او خواهد بارید و او را سیراب خواهد کرد.

۲۵ «ز دست بنده چه خیزد» نشانگر اظهار عجز و ناتوانی بندگان و توانایی و قدرت خداوند است.

۴ در این بیت «داور زمانه» خداوند است و این مطلب که مسیر و مدار همه پادشاهان بر ارادت و خواست خداوند است نشانگر عدم اختیار و تسلیم بودن همه امور در برابر خواست خداوند است.

۸۸۷- گزینه «۲» در بیت ۲ مفهوم اصلی، ماندگاری و ارزشمندی سخن است؛ اما مفهوم مشترک سایر ابیات رازنگاه‌داری و سربوشی عاشقان و بسته شدن دهان عاشق و عارف در اثر حیرت و فنا است.

۴ در ۴، «سرای مجاز» کنایه از جهان مادی است. ۸۸۸- گزینه «۲» مفهوم بیت صورت سؤال و ۱، ۲ و ۴ این است که فروغ یا جزئیات به اصل و کلّ خود بازمی‌گردند، اما مفهوم ۲ این است که هر که درد عاشقی یا درد طلب دارد، از عشق، بو برده است.

معنی ۱ خاک (= کل) به خاک تن (= جزء) می‌گوید: ترک جان کن و به سوی ما بیا.

بیت ۴ در توصیف افراد گمراه است و شاعر می‌گوید چون اصل آن‌ها از آتش بود به سوی اصل خود (= جهنم) رفتند.

۸۸۹- گزینه «۲» در ۲ شاعر معتقد است عشق طیب دردها است، ولی وقتی کسی دردی ندارد چه دردی را دوا کند؟ پس مفهوم نکوهش عاشق نبودن نیز در بیت وجود دارد. اما مفهوم

مشترک سایر گزینه‌ها این است که فقط عاشق، حال عاشق را می‌فهمد و بی‌خبران و ظاهرینان از حال عاشق آگاه نیستند.

۸۹۰- گزینه «۱» مفهوم بیت سؤال این است که با حمایت پروردگار، حوادث گزندی نمی‌رسانند. در ۲، ۳ و ۴ نیز سخن از باک‌نداشتن از هیچ‌چیز با وجود حمایت یار (خداوند یا معشوق) است؛ اما در ۱ فقط سخن با خدا بودن و نسبت به او بیم و امید داشتن است.



آیات، احادیث و عبارات‌های عربی کتاب درسی

آیه، حدیث و ...	ترجمه	مفهوم	کتاب / درس
حَاسِبُوا قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا	به حساب خود برسید، پیش از آن که به حساب شما رسیدگی کنند.	خودحسابی و پیشاپیش به حساب اعمال خود رسیدگی کردن	فارسی (۱) - درس دوام
شَرَّفَ الْمَكَانَ بِالْمَكِينِ	ارزش هر جای و جایگاهی به کسی است که در آن قرار گرفته است.	ارزش وجودی انسان نیک	فارسی (۱) - درس سوم
وَ بَدَّلَ مُهَجَّتَهُ فَيْكَ لِيَسْتَنْفِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الصَّلَاةِ	او، حسین <small>علیه السلام</small> ، خودش را در راه تو داد تا بندگانت را از نادانی و سرگردانی گمراهی نجات بخشد.	شهادت امام حسین <small>علیه السلام</small> ، مایه آگاهی و بصیرت بندگان بوده است.	فارسی (۱) - درس سوم
الذَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْنَا	روزگار دو روز است؛ یک روز به کام تو یک روز به زبان توست.	فراز و فرود روزگار و ناپایداری و بی‌اعتباری موقعیت‌ها	فارسی (۱) - درس پنجم
كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ (سورة آل عمران، آیه ۱۸۵)	هر جان‌داری طعم مرگ را می‌چشد.	مرگ، همه را درمی‌یابد. / حتمی بودن مرگ انسان‌ها	فارسی (۱) - درس پنجم
وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ (سورة طلاق، آیه ۳)	کسی که به خدا توکل کند، پس خدا برای او کافی است.	نگهدار ما هست یزدان و بس / سفارش به توکل	فارسی (۱) - درس ششم
الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ	صبر، کلید گشایش است.	صبر، حلال مشکلات است. / توصیه به صبر و شکیبایی	فارسی (۱) - درس هفتم
وَ مَكْرُوا وَ مَكَّرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (سورة آل عمران، آیه ۵۴)	[دشمنان] مکر کردند و خداوند هم مکر و تدبیر کرد و خدا بهترین مکرکنندگان و تدبیرکنندگان است.	تقدیر و تدبیر خداوند بر خواست و تدبیر بندگان غلبه می‌کند.	فارسی (۱) - درس هفتم
جَلَّ جَلَالُهُ وَ عَمَّ نَوَالُهُ	بزرگ است شکوه او و فراگیر است لطف او.	ستایش خداوند	فارسی (۱) - درس هشتم
وَ الصَّافَاتُ صَفًّا (سورة صافات، آیه ۱)	سوگند به فرشتگان صف در صف.	-	فارسی (۱) - درس نهم
أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ (سورة رعد، آیه ۲۸)	همانا با یاد خداوند، دل‌ها آرامش می‌یابد.	توصیه به ذکر یاد و نام خدا / آرامش‌بخش بودن یاد و نام خدا	فارسی (۱) - درس دهم



در این بخش به توضیح برخی نمادها، نشانه‌ها و همین‌طور برخی سنت‌های ادبی و باورهای رایج در شعر فارسی می‌پردازیم. دانستن این موارد به فهم ابیات کمک قابل توجهی می‌کند و از این رهگذر، نگاه ما به برخی اشعار عمیق‌تر می‌شود و باعث افزایش لذت ادبی می‌شود.

نماد

گاهی شاعران واژه یا واژگانی در شعر خود به کار می‌برند که آن واژه علاوه بر این‌که با معنی حقیقی و لغت‌نامه‌ای قابل فهم است، در معنی و مفهومی عمیق‌تر و وسیع‌تر نیز قابل فهم است؛ برای فهم بهتر مطلب به بیت زیر توجه کنید:

ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز
کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

در این بیت می‌توانیم «مرغ سحر» و «پروانه» را در معنی حقیقی آن‌ها بفهمیم: شاعر در عالم خیال خود به مرغ سحر خطاب می‌کند که سروصدا کافی است. اگر عاشقی، باید سکوت کنی. عشق حقیقی را از پروانه بیاموز که جانش را در راه معشوقش یعنی آتش می‌دهد؛ اما صدایش در نمی‌آید!

اما اگر کمی با فضای شعر فارسی و مخصوصاً شاخهٔ عرفانی آن آشنا باشیم، درمی‌یابیم که «مرغ سحر» و «پروانه» علاوه بر معنی حقیقی خود، در این بیت در معانی و مفاهیم دیگری نیز به کار رفته‌اند و از رهگذر کشف این معنی فراتر از معنی ظاهری واژه، لذت ما از شعر دوچندان می‌شود. مرغ سحر علاوه بر معنی حقیقی، در معنی انسان‌هایی به کار رفته که «مذعی» عشق و عرفان هستند و لاف عاشق بودنشان گوش فلک را کر کرده؛ از طرفی «پروانه» در معنی عاشقان و عارفان حقیقی به کار رفته که جانشان را در راه عشق فدا می‌کنند؛ اما کوچک‌ترین صدایی از آن‌ها بلند نمی‌شود.

توجه نمادها در یافت شعر قابل تشخیص هستند و این‌گونه نیست که آن‌ها را حفظ کنیم و در تمامی موارد، تفسیرهای نمادین به دست دهیم. مثلاً اگر بگوییم: «در بهار امسال پروانه‌های زیادی در باغ دیدم»، واضح است که پروانه فقط در معنی حقیقی به کار رفته و خبری از نماد در این جمله نیست.

سنت‌های ادبی

گاهی اوقات شاعران قراردادهایی خیالی میان خود دارند و در شعر خود از آن قراردادهای استفاده می‌کنند. توجه داشته باشید این قراردادهای در عالم واقع وجود خارجی ندارند و فقط احکام آن‌ها در عالم ادبیات، ساری و جاری است. ما به این قراردادهای «سنت‌های ادبی» می‌گوییم. برای فهم بهتر مطلب به نمونهٔ زیر توجه کنید:

آخر ای باد صبا، بویی اگر می‌آری
سوی شیراز گذر کن که مرا یار آن جاست

شاعر از باد صبا می‌خواهد که بویی یا خبری از یار برای او بیاورد. همه می‌دانیم باد صبا در عالم واقع، قدرت خبررسانی ندارد، اما در عالم خیال شاعران، باد صبا نامهرسانی میان عاشق و معشوق است و گاهی تنها محرمی است که اجازهٔ حضور یافتن در محضر معشوق را دارد.

توجه حضور «باد صبا» در یک بیت به این معنی نیست که شاعر لزوماً قصد اشاره به نقش نامهرسانی باد صبا دارد. تکلیف همه‌چیز را معنی و فضای کلی شعر مشخص می‌کند. این نکته دربارهٔ تمام واژگانی که به سنت‌های شعری اشاره دارند، صدق می‌کند؛ مثلاً در مصراع «اگر چراغ بمیرد، صبا چه غم دارد؟» باد صبا به‌هیچ‌وجه نقش نامهرسانی ندارد؛ باد اگر بوزد و چراغ خاموش شود، برای باد مهم نیست.